

نقش و اثر کارکردهای شهری بر جرائم و آسیب‌های اجتماعی خانواده‌ها در محیط شهری

اسمعیل دلیر^۱

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

امروزه فرایند پدیدارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز فرایند ساختاری شهرها منجر به بروز رفتار و برخوردهای متفاوت مردم نسبت به هم شده است در این رابطه غیر از این عوامل که متعلق به وجود درونی انسانهاست عوامل بیرونی دیگری نیز همچون کارکردهای شهری نظیر کارکردهای سکونتگاهی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، فرهنگی، آموزشی، تعلیم و تربیت و امثال آنها موثر و تاثیرگذار می‌باشند لذا عوامل درونی بطور مستقیم و عوامل بیرونی بطور غیرمستقیم در رفتار و کردار شهروندان دخیل می‌باشند بدین ترتیب هر یک از شهروندان بر اساس ادراک و تصورات ذهنی خود از کارکردهای شهری و مهمتر از آن محیط پیرامون خود بازخورد و رفتارهای منحصر بفردی را در جامعه از خود نشان می‌دهند و متعاقب آن چنین امری موجب کم رنگ شدن ارتباطات و هویت‌های اجتماعی می‌گردد و به هر اندازه که به تعداد شهروندان افزوده شود به آن اندازه نیز سلیق و اختلافات و بازخوردهای رفتاری در جامعه نیز افزایش خواهد داشت. این مقاله با بیان ویژگی هر یک از کارکردهای شهری و نظریه‌های مرتبط با آن به نحوه نظام‌مندسازی کارکردهای شهری در جهت پیشگیری از آسیب‌های خانواده‌های شهری پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، جرائم شهری، کارکردهای شهری، نظریه کارکردهای شهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

ارتباطات روح زندگی اجتماعی است (نویسنده) لذا مکان‌ها و بویژه محلاتی که در آن مردم همدیگر را به‌طور کامل می‌شناسند و با هم ارتباط نزدیک دارند میزان آسیب‌های اجتماعی و جرائم بسیار نادر می‌باشد به ویژه در جوامع سنتی، اما در مکان‌هایی که هویت‌ها و ارتباطات کم‌رنگ‌تر است شاهد بیشترین ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی هستیم و به همان اندازه که این نسبت بیشتر باشد به همان اندازه نیز از نرخ رشد آسیب اجتماعی بالاتری برخوردار خواهیم بود در این میان نوآوری‌های جدید نیز به این امر دامن می‌زنند نظیر جرائم اینترنتی و امثال آن، آنچه گفته شد برای تمام جوامع صدق می‌کند اما تاثیر رسانه‌ها، و سایر شیوه‌ها و سبک‌های زندگی و ... همگی در زمان تاثیر بر روی فرد بایستی از مجرای قومیت، نژاد، مذهب، ملیت عبور کند و بعد از اینکه در ذهن افراد خانواده پردازش یافت آن موقع خروجی این عوامل روی فرد تاثیرگذار خواهد بود و این امکان بوجود خواهد آمد که فرد خواسته یا ناخواسته مرتکب تغییرات در رفتار و منش باشد بنابراین از آنجاکه این عوامل تاثیرگذار رو به جلو است بایستی پایه‌های مجاری یاد شده (قومیت، مذهب، ملیت، نژاد و...) را محکم‌تر و مقاوم‌تر ساخت بعبارت دیگر ساختارهای جامعه را کیفیت داده و بهبود بخشید بنابر این به نظرمی‌رسد در آسیب شناسی اجتماعی فرد عامل اصلی نیست بلکه عامل اصلی مجموع سیستم است سیستمی که در آن کل اجزاء دست به دست می‌دهند تا با کارکرد دقیق، صحیح و حساب شده منجر به خروجی کامل و بی‌نقص شوند در این سیستم محیط خانواده، محیط مدرسه، محیط کوچه و خیابان، محیط دوستان و هم‌بازی‌ها و کارکردهای شهری و کلیه فضاهایی که فرد با آن در ارتباط می‌باشد همگی در رشد و پرورش فرد دخیل هستند از اینرو اصلاح فرد به وسیله قوانین کیفری بدون توجه به ریشه مفاسد همانند معالجه بیمار به وسیله داروهای مسکن بدون توجه به ریشه درد و منشاء بیماری است از آنجا که آسیب‌های اجتماعی، خشونت، نزاع و درگیری‌ها در فضا، مکان و زمان رخ می‌دهد بنابر این بررسی آن از یک بعد مرتبط با رشته جغرافیای اجتماعی یا اکولوژی اجتماعی است در این رابطه نظرات بسیاری ارائه شده است و خروجی‌ها اغلب حکایت از آن دارد که علت جرم و جنایت و ارتکاب آن بیشتر به دلیل نقص در عملکردها و کارکردها است فلذا اگر کارکردها به درستی و به صورت نظام مند به وظایف خود عمل کنند قلدور پروری در جامعه رخ نخواهد داد اگر کارکردها درست عمل کنند بی‌قیدوبندی در سطح شهر مشاهده نخواهد شد اگر کارکردها درست عمل کنند ارتباط مردم از همدیگر قطع نخواهد شد و در نهایت اینکه اگر همه کارکردها پایبند به قانون باشند و درست و کامل به وظایف محوله عمل کنند سیستم‌های شهری کامل، بی‌عیب و بی‌نقصی ارائه خواهند داد.

۲. مفهوم آسیب‌شناسی :

دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی سه دسته‌اند: ساختارگرایی-کارکردگرایی؛ دوم تضاد و سوم کنش متقابل نمادین در این میان در داخل دیدگاه ساختارگرا-کارکردگرا دو تئوری قرار دارد اولی آسیب‌شناسی اجتماعی و دوم سازمان‌شکنی اجتماعی به دین ترتیب در آسیب‌شناسی اجتماعی ارجاع علت در مسئله اجتماعی به نهادها (خانواده، اقتصاد، سیاست، مذهب) و نیز روند ناقص جامعه پذیری است و در تئوری سازمان شکنی اجتماعی علت مسئله اجتماعی به سرعت تغییرات اجتماعی معطوف است و به آنومی و بی‌هنجاری اشاره می‌شود مانند نوشیدن الکل در بین نوجوانان که یادگیری آن از قشر جوان و والدین است در بحث آسیب‌شناسی شهری نیز همه جرائم مربوط به شهر تا حدودی در قالب ساختارگرایی و کارکردگرایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند نظیر ناهنجاری‌های روانی، بی‌ثباتی پایگاه ازدواج، مرگ و میر، تخریب، کینه‌ورزی با علم و فرهنگ و امثال آنها، در جدول زیر به انواع جرائم به همراه مصادیق آن اشاره می‌کنیم .

جدول تفکیکی جرائم شهری

جرائم و آسیب های اجتماعی	مصادیق
علیه اموال و مالکیت	چک بلا محل، اختلاس، تصرف عدوانی، فروش مال غیر، خیانت در امانت، کلاهبرداری
علیه مصالح و آسایش عمومی	رشوه، جعل، اخاذی، اختلال در نظم عمومی
علیه اشخاص	قتل، ضرب، جرح، آدم ربائی، توهین
علیه خانواده و عفت عمومی	زنا، لواط، فیلم مبتذل، عدم پرداخت نفقه، ورود به عفت
جرائم مربوط به مواد مخدر	حمل و نگهداری و قاچاق مواد مخدر
جرائم مربوط به مشروبات الکلی	نگهداری، مصرف و توزیع مشروبات الکلی
جرائم مربوط به سرقت	سرقت از مغازه، منزل، اتومبیل، لوازم اتومبیل، دام، کیف زنی

امروزه در مطالعه آسیب شناسی اجتماعی اغلب به این نتیجه رسیده اند که عامل فقر بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل اجتماعی در شهرها موثر می افتد از اینرو در زمینه شناخت مناطق فقیر و آلوده شهری، معیارهایی نظیر میزان درآمد- خانواده، میزان مردان غیر ماهر در نیروی کار، میزان تحصیلات، میزان واحدهای مسکونی مخروبه و غیر بهداشتی بکار گرفته می- شود اما بنظر می رسد که اجزای آسیب های اجتماعی بایستی در ارتباط با کل مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۳. مفهوم کارکردهای شهری:

نقش کارکردهای شهری در اکولوژی اجتماعی شهر عمدتاً شامل اقدام هایی می شود که به تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و محیط اجتماعی و یا همان پیشگیری اولیه متمایل است (شایگان، ۱۳۸۹، ۱۱۶) جیمز ویلسون و جورج کلینگ در نشریه امریکایی آتلانتیک مانثلی در سال ۱۹۸۲ برای اولین بار تئوری پنجره شکسته را مطرح نمودند آنها بر این عقیده هستند که اگر شیشه پنجره یک ساختمان شکسته شود و سریعاً جایگزین نشود بعضی ها خواهند توانست نتیجه بگیرند که ساختمان رها شده است و در حال ویرانی است و مطمئناً همه شیشه ها شکسته خواهند شد چرا که مجرمان فکر می کنند که این ساختمان هیچ اهمیتی ندارد (جوان مرد، ۱۳۸۶، ۷۵) از این تئوری می توان به این نتیجه رسید که کارکردهای شهری بایستی به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند و در صورت بروز مشکل در آنها به سرعت نسبت به ساماندهی آنها اقدام نمود چرا که طبق دیدگاه کارکردگرایی و رفتارگرایی نقص در کارکرد شهری همان تبعاتی را می تواند به همراه داشته باشد که تئوری پنجره شکسته دارد (نویسنده) در همین رابطه کوهن نیز نتیجه می گیرد که بزهکاری نتیجه مشکلات یا سوء کارکردهای نهادهای اجتماعی نیست بلکه در واقع نتیجه تضعیف کنترل اجتماعی است یعنی افراد در برخی فعالیت ها و مشاغل احتیاط لازم را به خرج نمی دهند و خود را در برابر جرم محافظت نمی کنند از اینرو بایستی از طریق پیشگیری وضعی که پیشگیری غیر مستقیم است با مصون سازی سیل ها و ایمن کردن فضاهای آسیب پذیر بزهکاران را از ارتکاب جرم منصرف می کنیم و انصراف از ارتکاب جرم یعنی جلوگیری از بزه دیدگی (نجفی ایرنآبادی، ۱۳۸۳، ۹۰) رشد بی رویه آسیب های اجتماعی، جرائم و کجروی ها را عموماً بر مبنای شرایط ساختی و کارکردی آن جامعه تبیین می شود شهر همیشه از لحاظ کارکردی حالت مناسب ندارد و با مکان هایی از قبیل حومه، محلات شلوغ، حاشیه نشینی، و غیره در ارتباط است و این حالت زمینه ساز

اصلی آسیب‌های شهری است کارکردهای شهری بایستی آنقدر به صورت یکنواخت و قانونمند عمل کنند که شکافی بین آنها بوجود نیاید تا منجر به بروز جرائم شود کتله پایه‌گذار آمار جنایی بوده و معتقد است تمام جهات زندگی نظیر کارکردهای جمعیتی، کارکردهای اقتصادی (دارائی، قدرت پرداخت، توانایی تولید) کارکردسیاسی، کارکردهای تجاری و بازرگانی، کارکردهای صنعتی، کارکردهای کشاورزی، کارکردهای مذهبی و ... به نوعی در میزان آسیب‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کنند از نظر او جنایت از طرف انسان منفرد قابل تصور نیست انسان فرزند اجتماع است و در اجتماع به سر می‌برد خواه ناخواه اعمال او دور از تاثیر اجتماع نیست به سخن دیگر جنایت محصول جامعه و جنایتکار قربانی جامعه است مجموع جرائم ارتكابی در یک جماعت و نوسانات متناوب آن وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان می‌باشد (کی‌نیا، ۳) فون لیست هم همانند کتله معتقد بود جنایت ثمره عوامل فردی و اجتماعی در لحظه وقوع جنایت است وی یکی از پایه‌گذاران مکتب حقوقی و اجتماعی بود که مانهیم این مکتب را "قانون اجتماعی" نامید (همان، ۳۰) در این میان گالبرایت نظر فون لیست و کتله را کامل کرده و علت توزیع جغرافیایی آسیب‌های اجتماعی شهر را تابع توزیع ناقص امکانات و خدمات و سرانجام فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جهان دانسته زیمیل بر این نظر بود که عوارض و آفات زندگی شهری مقوله‌ای جدا از ساختار درونی فیزیکی و اجتماعی شهرها است به عبارت دیگر او بیماری‌های شهرنشینی را بیشتر ناشی از مکانیسم کارکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم می‌دانست تا آن که بخواهد برای آنها عللی لزوما شهری بیابد پیتر دیکنز جامعه شناس شهری انگلیس نیز معتقد است که شهر هم جای خطرات بزرگ است و هم جای فرصت های جدید از نظر او شهرها بخصوص در دوران جدید به مراکز هدم و نابودی احساسات بشری و کانون پرورش استعدادهای مکانیکی و مادی تبدیل شده‌اند و از اینرو کجروی‌ها و ناهنجاری‌هایی در جامعه موجود است که عبارتند از: قتل و غارت، سرقت و تعدی قساوت و جنون، قانون شکنی و دروغ و سرانجام لرزان شدن پایه‌های ایمان درونی به ارزش‌ها و عصبیت‌های جمعی و گروهی (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۹) از سوی دیگر در رابطه با ارتباط جرایم شهری با امکانات شهری گالبرایت معتقد است توزیع جغرافیایی جرایم شهری تابعی از توزیع ناقص امکانات و خدمات و سرانجام فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی در بیشتر کشورهای جهان سوم است به طوریکه مناطق اقماری شهرهای در حال رشد در کشورهای جهان سوم به کانون‌های عمده انواع بزهکاری اجتماعی تبدیل و شبکه اداری و قضایی آنها دچار مفاسد جبران ناپذیر می‌گردد (همان، ۸۹) و به این ترتیب در جوامع شهری افزایش نا برابری‌ها، انواع نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، حاشیه نشینی بخشی از مردم، فقدان امنیت مالی و حقوقی، تورم، عدم دسترسی به امکانات مساوی برای استفاده از فرصت‌های آموزشی بهداشتی، رفاهی، تفریحی، زمینه مساعدی برای ارتکاب جرم و گسترش فعالیت‌های بزهکارانه پراکنده یا سازمان یافته را همراه می‌سازد (شایگان، ۱۳۸۹، ۱۹)

۴. اثرات کارکر جمعیتی شهر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده در محیط شهری:

رشد جمعیت، تراکم جمعیتی، نابرابری اجتماعی، مهاجرت داخلی و بین المللی، تنوع گروه‌های قومی، شکاف طبقاتی، گسترش تمایزات فرهنگی و افزایش فاصله اجتماعی همراه با توسعه فقر بر رفتار افراد و اعضای گروه‌ها موثر واقع می‌شود (علی‌محسنی، ۱۳۸۰، ۱۴۵) کثرت جمعیت به طور مستقیم باعث بروز نشانه‌های مربوط به تباهی و موقعیت‌های ناگوار است و این فکر که می‌توان با ایجاد محدودیت‌های متناسب افراد جدیدی از نوع آدمی را به عمل آورد که از آثار کثرت و تپندگی جمعیت مصون بمانند به نظر چیزی جز توهم خطرناک نیست (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۹، ۲۰۶) پیامد تحرک جمعیتی و تراکم در مناطق و محلات شهری، گسترش نظام تقسیم کار اجتماعی است در چنین شرایطی کارکردهای سنتی بخش‌ها و نهادهای جمعیتی

تغییر یافته، الگوهای متناسب با اهداف جمعیت‌شهری ترویج و تقسیم می‌یابد تراکم جمعیت در شهر مستلزم کار تخصصی است که در نتیجه آن وجدانیت اجتماعی که عامل تجربه عمومی است تضعیف می‌شود و نوعی نظم صوری در مکان شهری بوجود می‌آید که مبتنی بر به هم پیوستگی کارکردگرایانه مردمی است که هر کدام به فعالیتی خاص اشتغال دارند (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۲) تراکم پایین جمعیت نیز در پاره‌ای از محلات شهری شانس کمتر جهت اخفاج جرائم و از جمله عواملی است که در کاهش آسیب‌های اجتماعی اثر قطعی دارد هرچه تراکم جمعیتی در محله‌ای افزایش یابد به همان نسبت و حتی بیشتر بر تعداد آسیب‌ها افزوده خواهد شد به نحوی که می‌توان گفت ضرایب ازدیاد جرائم به مراتب بیش از آهنگ بزرگتر شده محلات است مهم‌تر آنکه جرائم خشن و وحشتناک بیشتر در محلات پر جمعیت شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد از سوی دیگر امروزه به تناسب افزایش جمعیت و تراکم بیش از حد جمعیت در محلات توسعه نظام کار و نیز بالارفتن حجم انتظارات، ساکنین آن پیوسته در معرض اشکال مختلف از کاهش و یا گسست در پیوندهای اجتماعی و اخلاقی قرار دارد در حال حاضر با افزایش تراکم جمعیت و انباشت انتظارات جدید در محیط‌های شهری و فقدان روش‌های جایگزین اجتماعی و فرهنگی و نیز راهکارهای قضایی مناسب، شهرها از آغاز شکل‌گیری در دوران اخیر نتوانسته‌اند در کنار ارائه کارکردهای خدمات‌عمومی، فیزیکی، اقتصادی موجبات افزایش پیوندهای اخلاقی و معنوی ساکنین شهری را فراهم آورند و این جزء خله‌های بسیار مهم در بین کارکردهای شهری در تمام کشورهای جهان محسوب می‌شود محمدحسین حسینی طهرانی معتقد است که وجود جرائم در جامعه هیچگاه به دلیل جمعیت زیاد نیست، زیرا در اغلب کشورهای غربی که با کاهش جمعیت نیز مواجه‌اند، آمار جرائم و جنایات، بسیار بالا و گاه تا ۵۰ برابر کشورهای پرجمعیت جهان سوم می‌باشد (حسینی‌طهرانی، ۱۱۱) این خلدون نیز یکی از علل اساسی تمایل شهروندان به سوی منافع شخصی و سودگرایانه را غفلت از حمایت‌های مشترک از یکدیگر، کاهش احساس مسئولیت مشترک در قبال عوارض محیطی، افزایش رفاه و ناملایمتی‌های اجتماعی و مهم‌تر از همه کاهش پیوستگی‌های قومی، گروهی، جمعی و .. در ماهیت زندگی مدنی در شهرها، فزونی جمعیت و رویارویی متعدد شهروندان، دانسته است (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۴) او همچنین علت عمده سقوط تمدن‌ها و دولت‌ها را در گسترش شهرها و انتقال جمعیت از مناطق بادیه‌ای به مناطق شهری دانسته و معتقد است هر قدر جمعیت و فعالیت‌های فیزیکی و انسانی در شهرها بیشتر می‌شود احتمال بروز انواع ناهنجاری‌های شهری در آن افزایش می‌یابد (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۹) و امیل دورکیم نیز معتقد است افزایش تراکم جمعیت منجر به تقسیم کار و تشکیل گروه‌های هم سود می‌گردد و به دنبال آن نظام سوداگری افزایش خواهد یافت (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۲) هاروی چادلین در سال ۱۹۷۸ اظهار نمود که تراکم جمعیت تنها عامل بروز جرایم و بزهکاری در جامعه شهری نیست بلکه عوامل اجتماعی و ساختاری از نوع ترکیب نژادی، توزیع ثروت، امکانات شغلی و نظایر آنها مسائل اجتماعی را به وجود می‌آورند (شیخی، ۱۳۹۰، ۲۱۱) بنابر این جامعه پیچیده شهری در شرایطی می‌تواند نظم اجتماعی خود را حفظ کند که در آن تغییرات اقتصادی اجتماعی، نیازهای افراد جامعه، ساختار جامعه و ... به طور مستمر و در قالب علمی آن مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد "پی‌ناتل" جمعیت شهری و تبهکاری را در موازات ترسیم می‌کند و معتقد است دست کم این افزایش تا مرحله‌ای از تراکم جمعیت ادامه دارد او به این نتیجه رسیده که تعداد جرائم ارتكابی با افزایش جمعیت به طور مطلق افزایش نمی‌یابد (کی‌نیا، ۱۳۵۷، ۴۰) ادولف کتله معتقد شده است که شهرهای بزرگ توده‌های انبوه از جمعیت را در خود روی هم انباشته می‌کند و در نتیجه جمعیت بیشتر در معرض ارتكاب جرائم مختلف قرار می‌گیرند (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۲۲) از نظر لوئیس ویرت ۱۹۳۹ افزایش اندازه جمعیت شهری باعث تجزیه و اختصاصی شدن روابط اجتماعی و سرانجام تغییر چهره مصنوعی آن می‌شود او ویژگی دیگر توسعه شهر را فزونی تراکم جمعیت دانسته و بیان می‌دارد که فزونی جمعیت نه تنها نقش‌های افراد بلکه

مناطق و محلات مختلف در شهر را اختصاصی کرده و برای هر یک وظیفه ویژه‌ای را تعیین نموده است (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۳). رابرت پارک معلم ویرث در سال ۱۹۲۹-۱۹۱۵ به جهت تراکم جمعیت و به تبع آن تراکم رفتارها، اکولوژی فضای شهری را به عنوان مزایک دنیا‌های اخلاقی و اجتماعی انزوا گزیده‌ای که هر یک مشخصات ویژه خود را دارند معرفی می‌کند او همچنین معتقد است که تحرک و تراکم جمعیت شاخص عمده بروز ناهنجاریهای اجتماعی در شهر است رشد شهرها پیوسته با جایگزینی روابط غیر مستقیم و ثانویه به جای روابط مستقیم و چهره به چهره انسان‌های شهرنشین توأم است از این جهت همزمان با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی میزان جرائم شهری به ویژه در ناحیه‌های مرکزی، حاشیه‌ای و پر جنب و جوش شهری بسیار افزایش می‌یابد و این امر روابط سالم انسانی ساکنان را با محیط زندگیشان با دشواری روبرو ساخته است (همان، ۱۲۳) و امسلی بر این عقیده است که شهرهای بزرگ مهاجران زیادی را به سوی خود جلب می‌کنند و از آنجا که این مهاجران فاقد پشتوانه اجتماعی نیرومند هستند به هنگام بروز حوادث تلخ فعالیت آنها در درون روابط اجتماعی غیر پیوسته باعث ایجاد ناآرامی اجتماعی با انواعی از قانون شکنی می‌گردد بعلاوه به علت نبود پیوندهای اجتماعی مستحکم آنها هیچ نوع کنترل بیرونی را که ممکن است مانع از ارتکاب جرم باشد احساس نمی‌کنند در نتیجه این خود فرصت خوبی برای آنها در جهت انجام رفتارهای ضد اجتماعی فراهم می‌سازد (همان، ۸۹) به عقیده برناردلندر در مناطقی که دارای جمعیت ناپایدار است میزان بی‌سازمانی اجتماعی بیشتر و در نتیجه جرایم و بزهکاری نوجوانان نیز بیشتر است او نتیجه می‌گیرد که در یک اجتماع بی ثبات با سست گرفتن پیوستگی اجتماعی زمینه برای رها شدن افراد از فشار افکار عمومی و کنترل‌های غیر رسمی که در پرتو همبستگی باعث اعتماد و ایمان مردم به هنجارهای محیط است، فراهم می‌گردد (همان، ۹۳) بوگاردوس نیز اندازه جمعیت شهری را مانع اصلی ارتباط اولیه شهرنشینان با همدیگر دانسته است (شیخی، ۱۳۹۰، ۳۱) افراد چنین مراکزی کمتر با یکدیگر در تماس هستند آنها تنها در مواردی با یکدیگر در ارتباط هستند بدون اینکه با نام یکدیگر آشنایی داشته باشند.

۵. اثرات کارکر آموزشی شهر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده در محیط شهری :

کارکرد آموزشی یکی از طبقه‌بندی‌هایی است که بر پایه مفهوم‌شناسی پیشگیری در سیاست جنائی می‌توان ارائه داد کارکرد خاص و ویژه آموزشی و پرورشی فرد و اثرگذاری بر محیط پیرامون یکی از بر جسته‌ترین گونه پیشگیری کنشی از ارتکاب آسیب‌های اجتماعی است که پیشگیری اجتماعی نام دارد پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدامات مهار عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جرم را دنبال می‌کنند و از آنجا که گذشته از محیط اجتماعی بر فرد و انگیزه‌های او نیز تاثیر می‌گذارد به آن پیشگیری فرد مدار نیز گفته‌اند هدف تقویت کارکرد آموزشی و پرورشی تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر به جامعه پذیری فرد کمک می‌کند به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش (تمام مراکز آموزشی) است پیشگیری اجتماعی تلاشی است برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم و تدابیری را در بر می‌گیرد که بر زمینه‌های ارتکاب جرم از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی موثرند در این رویکرد نگرش مطالعه آنچنان بایستی عمیق باشد که حتی ریشه‌های دور از تصور نیز مورد بررسی قرار گیرد به عنوان مثال: در محلات مهاجر پذیر، دانش‌آموزان این گونه مدارس به دلیل مهاجر پذیر بودن، مدام مدارس خود را تغییر می‌دهند این امر موجب می‌شود هیچ گونه دل‌بستگی و شناختی بین معلم و دانش آموز وجود نداشته باشد و مدرسه صرفاً یک واحد آموزشی در حال گذار تلقی شود، در نتیجه وجود چنین رابطه اجتماعی جرم به صورت خواسته و ناخواسته در

این مناطق افزایش پیدا خواهد کرد اما در مناطقی که کمتر مهاجر پذیر هستند والدین به شدت وضعیت درسی دوستان و همکلاسی های فرزندان خود را نظارت می کنند، در نتیجه جرم در این مناطق کمتر است مثال دیگر اینکه بازخوردهای رفتاری بیشتر بین افراد صنف های متفاوت رخ می دهد بعنوان مثال باز خورد رفتاری بین یک پزشک و یک راننده و امثال اینها حال اینکه در قانون پیش بینی شده که تمام صنوف بایستی دوره هایی آموزشی حرفه ای و اخلاقی را به صورت متناوب در طول سال طی کنند نظارت و مسئولیت این کار به عهده ادارات صنعت، معدن و تجارت و مسئولین اتحادیه های اصناف می باشد به طوریکه اتحادیه ها بایستی افراد شاغل در صنوف را در طول سال جهت گذراندن دوره های آموزشی و اخلاق حرفه ای به سازمان فنی و حرفه ای معرفی کنند تا تمدید پروانه فعالیت آنها ادامه داشته باشد در کارکرد آموزش و پرورش کاها بسیاری از محققین به سرعت متوجه نظام آموزش و پرورش در تمام مقاطع تحصیلی می شوند اما غافل از آن که تنها افراد تحصیل کرده و علاقمند به تحصیل نیاز به آموزش ندارند بلکه مردم در اصناف و حرفه های مختلف نیاز به آموزش دارند به این جهت یکی از مهم ترین عواملی که اخلاق مشاغل در کارکردهای مختلف شهری را ضروری کرده و یکی از عمده ترین شاخه های اخلاق قرار داده موضوع توسعه و به ویژه توسعه کارکردهای آموزشی است پیشرفت تکنولوژی و جامعه ماشینی، انسان را به ماشین تبدیل کرده و ارزش های انسانی، اخلاقی و عاطفی او را به خطر انداخته و نوعی از خود بیگانگی و دوگانگی شخصیتی ایجاد کرده است. نگاه ابزاری به حرفه نیز عامل دوگانگی شخصیت انسان است در کارکردهای شهری مشاغل، شرایط اجتماعی، فرهنگی و حتی فیزیکی خاص دارد که شخصیت انسان به ناچار با آن منطبق است امروزه بسیاری از تنش ها، خشونت ها و نزاع ها ناشی از بازخوردهای رفتاری بین افراد صنوف های مختلف رخ می دهد در همین راستا در کارکرد آموزشی شهر علاوه بر روال معمول آموزش در مدارس و دانشگاه ها بایستی بر بعد آموزش در صنوف نیز پرداخته شود و اینگونه نباشد که فردی پروانه فعالیت گرفته و در طول یک سال از هیچ گونه آموزش مرتبط با شغل خود برخوردار نباشد به عبارت دیگر قانون مربوط به این مهم نادیده گرفته نشود در رابطه با اصول و قواعد اخلاقی مشاغل در کارکردهای مختلف شهری و در رابطه با آموزش حرفه ای از سوی انجمن ها و موسسه های اصناف و سازمان های فنی و حرفه ای مراتب زیر تبیین گردیده است تا با اجرای آن که از مصوبه قانونی هم برخوردار است باز خورد های رفتاری و خشونت ها به حداقل ممکن کاهش یابد از نظر کوئن فردی که درست اجتماعی نشده است، هنجار های فرهنگی را در شخصیت خود عین نمی سازد، و برای همین نمی تواند میان رفتار شایسته و رفتار ناشایسته تمایز گذارد بنابراین فرد منحرف نخست باید منحرف شدن را یاد بگیرد (علوی، ۱۳۹۰، ۳۱) جان بولبی نیز در یکی از آثارش در مورد روانشناسی انحراف چنین استدلال می کند که کودک نیازهایی دارد و مهم ترین نیاز او امنیت عاطفی است که به بهترین وجه ممکن می تواند با رابطه صمیمانه ای که بین مادر و فرزند می شود تامین گردد (حاجی آقایی، ۱۳۸۵، ۲۴۰) گابریل تارد پس از تحقیقات وسیع به این نتیجه رسیده است که رفتار و اعمال هر فرد در اجتماع ناشی از تقلید است (همان، ۲۴۰) افراد با تقلید از عادات دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می نمایند و کلیه تحولات اجتماعی از قبیل تحول قدرت ها، تحولات مذهبی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، هنری، زبان و بالاخره زندگی روزمره ناشی از تقلید است.

۶. اثرات کارکر تعلیم و تربیت بر آسیب های اجتماعی خانواده در محیط شهری :

انسان، موضوع تعلیم و تربیت و از مبانی بنیادین آن به شمار می رود (بهشتی، ۱۳۸۸، ۸) او موجودی تاثیرگذار است و از شرایط و موقعیتهای وراثتی، زیستی، جغرافیایی و طبیعی، و از خانواده، مدرسه، دوست، همنشین، معلم، مربی، صاحب دل، وسایل ارتباط جمعی، همچنین از موقعیت شغلی، صنفی و اجتماعی تاثیر می پذیرد و از مجموعه این عوامل، شخصیت و شاکله

او ساخته و پرداخته می‌شود از سوی دیگر بر فرد جامعه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاثیر می‌گذارد و موقعیت‌های فردی و اجتماعی را دگرگون می‌سازد از اینرو محیط اجتماعی روی شخصیت فرد و شخصیت فرد بالعکس روی محیط اجتماعی تاثیر می‌گذارد (غضنفری، ۱۳۳۹، ۲) در همین رابطه دکتر محمد حسین فرجاد استاد آسیب شناسی اجتماعی بر این باور است که ارتکاب بزه یا جرم یک امر ذاتی نیست بلکه یک امر اکتسابی است و اصولاً به سه عامل بستگی دارد که عبارتند از: فرد، خانواده و جامعه. تاثیری که جامعه روی دو عامل فرد و خانواده دارد خیلی بیشتر از عوامل دیگر است بنابراین در ایجاد بزهکاری هم شرایط بیولوژیک موثر است و هم عوامل اجتماعی و روانی مانند ناامن بودن و سالم نبودن محیط اجتماعی و پرورش (فرجاد، ۱۳۷۵، ۱۷) روند تاثیرپذیری و تاثیرگذاری، ظاهر و باطن انسان را نیز در بر می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۸۸، ۶۸) مقصود از باطن، افکار، نیت‌ها، انگیزه‌ها، آرمانها و باورهاست و منظور از ظاهر، اعمال و رفتار ظاهری است که از آدمی سر می‌زند البته ظاهر و باطن انسان پیوسته و مدام در تاثیر و تاثر متقابل‌اند و این ارتباط متقابل، پیدایش طبایع ثانوی و خلق و خوی‌ها و ملکات است که در اعماق باطن و درون آدمی راسخ می‌شود و به سختی می‌توان آنها را تغییر داد اما با این همه انسان از اقتدار برخوردار است که می‌تواند اخلاق، سجایا و ملکاتی را که تا به حال نداشته، به دست آورد و طبایع، صفات و عادات خویش را تغییر دهد و صفاتی را جایگزین صفات پیشین کند و جان و دل را از خصلت‌های ناپسند پیراسته و به زیورهای اخلاقی آراسته سازد بنابراین تاثیرپذیری و تاثیرگذاری به معنای عام آن از پایه‌های اساسی تربیت به شمار می‌آید و تربیت انسان بر این پی‌نهاد قرار دارد افلاطون می‌گوید: خرد نخستین و بزرگترین نعمت خدائی است بعد از خرد، خویشتن داری و تعادل روح است چون این دو نعمت با شجاعت به هم آمیزند نعمت سوم یعنی عدالت پدید می‌آید در مرتبه چهارم شجاعت است همه این نعمت‌های خدائی طبیعتاً پیشرو نعمت‌های بشری هستند از این رو قانونگذار باید آنها را بر نعمت‌های بشری مقدم بدارد آنگاه باید مردم را به این نکته آگاه سازد که مراد از همه قوانین و دستورهای نوشته، این است که مردمان بتوانند از آن دو نوع نعمت بهره‌ور شوند ولی باید بدانند که غایت نعمت‌های بشری، نعمت‌های خدائی است، و غایت نعمت‌های خدائی شناسائی خردمندانه، که برتر از همه نعمت‌ها است (افلاطون، ۱۳۶۷، ۲۰۳۸) دورکیم در رابطه با مسائل تربیتی، پیدایش بیماری آنومی (بی‌هنجاری یا خلاء هنجاری) را مختص جوامعی می‌داند که محروم از هنجارهای اخلاقی و حقوقی هستند (اخلاق و حقوق وجود دارد اما وجودش احساس نمی‌شود) در این شرایط شاهد فروپاشی همبستگی اجتماعی هستیم در واقع از نظر او آنومی در یک فرد تراکم مسایل و مشکلات جمعی جامعه در او است (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۳۹) گافمن بر این عقیده است که شخصیت یک فرد را تنها خود به وجود نمی‌آورد بلکه آن با برخوردهای او با دیگران و افرادی که نزدیک او هستند به وجود می‌آید (شخصیت یک اثر نمایشی است که در صحنه نمایش بوجود می‌آید) (گافمن، ۱۹۵۹، ۲۵۳) به نظر گافمن افراد در هنگام برخورد با دیگران می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد افراد می‌خواهند خودی را که به حضار نشان می‌دهند به اندازه‌ای نیرومند باشد که آنها را به همان سان که خودشان می‌خواهند نشان دهد و نیز افراد می‌خواهند که نمایش آنها حضارشان را وادارد تا داوطلبانه به دلخواه آنها عمل کنند آلیس گویر در کتاب ارزشمندش «بی‌شعوری واگیر دارد» می‌نویسد؛ هر بی‌شعور عادی به سادگی می‌تواند ده تا بیست نفر را به حالات پریشانی، جنون، تهاجم و گناه دچار سازد بسیاری از بیماران روانی و انسانهای افسرده، از هیچ چیزی به اندازه‌ی آدم‌های بی‌شعور آسیب ندیده‌اند بسیاری از بی‌شعورها، به حق از این که دوروبرشان را افراد عصبی و روانی احاطه کرده‌اند شاکی‌اند، اما توجه ندارند که به خاطر تحمل اعمال و رفتار آنهاست که اطرافیان‌شان به این حال و روز افتاده‌اند! اسکینر نیز معتقد است که کنش‌های انسانی بوسیله پیامدهای منتج از رفتار انسانی تعیین می‌شود در خانواده‌های کارگری بعضی از مردان در اثر فشار زندگی و ناراحتی‌های خانوادگی و فقر

مفرط به دامان الکل پناه می‌برند قسمت عمده‌ای از مزد پدران صرف خرید مشروب می‌گردد که خود این امر عامل دیگری در فساد اطفال و سیر ایشان به سوی سرقت‌های کوچک و یا ولگردی است او همچنین از رفتارهای ناشی از کنترل انگیزه سخن می‌گوید و وجود محرک‌های درونی از قبیل گرسنگی، تشنگی و تمایلات جنسی را به عنوان پیش شرط‌های رفتار انکار نمی‌کند اما در عوض بسیار بر این نکته که رفتار می‌تواند ناشی از مداخله در وضعیت‌های محیطی باشد اصرار می‌ورزد (دنيسرزنام، ۱۳۷۹، ۱۴۸) غزالی به این موضوع توجه دارد که سالهای آغازین زندگی از دید تربیتی بسیار اهمیت دارد و شایسته است به تربیت کودک در این سالها که دوران نقش پذیری اوست، توجه ویژه شود از اینروست که او به شدت به پیرایش و زایش محیط از هرگونه عامل منفی تربیتی اعتقاد دارد، و از پدر و مادر و مربیان می‌خواهد از آغاز زندگی کودک محیط او را از خوراک حرام و دایه بد و دوستان و لباس و نیز کودکان رفاه زده بزاینده و مانع آرایش محیط تربیتی کودک به این عوامل منفی شوند چون کودک بزرگتر شد، باید مراقب بود محیط زندگی او را به کسان زبان بازه و شعر عاشقانه آلوده نشود؛ زیرا نوجوان هم بشدت از محیط اثر می‌پذیرد و این عوامل او را گمراه می‌کند تاثیر محیط بر فرد از راههای گوناگون تماس مانند: بازی، دیدار، گفتار، شنیدار صورت می‌گیرد و طرف آن است که بیشترین تاثیر پذیری از محیط ناخود آگاه است این است که غزالی آلودگی محیط کودک به عوامل منفی تربیتی را زیانبار می‌خواند و خواهان زدودن محیط از آنها است مسئله‌ای که فارابی بدان پرداخته و خواسته نظریه افلاطون و ارسطو را در مورد آن نیز وفق دهد، مسئله عادت و ارتباط با فضیلت است فارابی می‌گوید، افلاطون معتقد است که استعدادات طبیعی بر عادت غلبه دارند. چنانکه بس دشوار است که آدمی به وسیله عادت اخلاق خود را دگرگون سازد (صانعی، ۱۳۸۶، ۴۰۷) و ارسطو در کتاب اخلاق نیکو ماخوس می‌گوید، اخلاق عاداتی هستند که به وسیله تمرین و ممارست دگرگون می‌شوند افلاطون برای استعدادهای فطری اهمیت بسیار قائل است، ولی منکر تغییر استعدادهای فطری نیست، اگر چه این تغییر بس دشوار باشد ارسطو معتقد به امکان تغییر اخلاق هست ولی اذعان می‌دارد که این تغییر بر حسب اشخاص گاه بس دشوار و گاه آسان است پس او نیز به وجود استعدادهای فطری معترف است؛ نیز باور دارد که سهولت یا صعوبت این تغییر اخلاق وابسته به این استعدادهاست پس دو حکیم اختلافی ندارند همچنین فارابی افلاطون را به طرف ارسطو متمایل می‌کند و آنچنان اهمیتی برای عادت قائل می‌شود که افلاطون هرگز قائل نشده بود زیرا افلاطون استعدادات فطری را در درجه اول قرار می‌داد و می‌گفت تغییر این فطریات بسیار دشوار است این بحث در فلسفه تربیتی هر یک از دو حکیم اهمیت شایانی دارد، زیرا افلاطون برآنست که تربیت نمو دادن استعداد طبیعی و راهنمایی هر شخص است بر حسب امیال نفسانی و استعدادات فطری او؛ و ارسطو معتقد است که فضیلت و عادت اکتسابی است و تغییر عادت امری ممکن و عادی است مارکس نیز در جامعه سرمایه داری بیگانگی انسان را در چهار سطح مطرح می‌کند که عبارتند از: بیگانگی انسان از انسان؛ بیگانگی از جریان کار؛ بیگانگی از کار از محصول کار؛ بیگانگی انسان از طبیعت، او می‌گفت نفس انسان را سرمایه و پول پرستی فاسد می‌کند و اگر مالکیت خصوصی برافتد انسان به مقامی باز می‌گردد که به لحاظ آدمیت دارد بارتولاس ۱۹۹۳ گروه-های منفی و منحرف همسالان را به عنوان سوء مصرف مواد و تعارض در خانواده، یکی از پیش‌بینی کننده‌های انحراف نوجوانان معرفی می‌کند (علوی، ۳۴) دمبو، شمیدلر ویلیام و تکه ۱۹۹۲ نیز ارتباطات بین همسالان را از جمله عوامل سوق دهنده نوجوانان به سوی مصرف ماری‌جوانا معرفی می‌کند (همان، ۳۳) به عقیده هانی و زیمباردو ۱۹۹۸ حتی افراد خوب هم ممکن است تحت تاثیر نیروها و فشارهای موقعیتی، واکنش‌های کجرفتارانه از خود نشان دهند از دیدگاه کر، نلسون و لامبرت نوجوانان تعداد زیادی از موادی را که استعمال می‌کنند، از دوستان و همسالان خود به دست می‌آورند در گروه‌های نزدیک، نظیر خوابگاه هاو... مصرف مواد مخدر به مراتب بیشتر از کل جمعیت دانش آموزان در یک سن مخصوص می‌باشد لویت ۱۹۸۴ استعمال و

مصرف مواد از هر نوع، را مستقیماً با برخوردهای گروهی با دوستان، در رابطه می‌داند در گروه‌های بزرگ‌تر، چنین الگویی به موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی وابسته است که در مناطق انبوه شهری، مصرف‌کنندگان و غیرمصرف‌کنندگان مواد ممکن است به عنوان دوستانی آزاد مخلوط باشند، بدن اینکه عادات خود را به دیگران انتقال دهند از آنجا که نوجوانان در حالت گروهی انگیزه‌های کنترل کمتری دارند، استعمال مواد ممکن است به رفتارهای ضداجتماعی و رفتارهای خطرناک (پرخاشگری، پزدادن های خطرناک، دزدی، و...) منجر شود بدیهی است که چنین رفتارهایی تنش، افسردگی و از خود بیگانگی بیشتری را به وجود می‌آورند از نظر سلیمی و داوری کجروی پدیده‌ای است که در خلال فرایندهای کنش متقابل اجتماعی فرا گرفته می‌شود این فراگیری نیز ناشی از فرآیندهایی مانند یادگیری شرطی، تقویت، مشاهده و الگو سازی و همچنین برچسب اجتماعی است (همان، ۳۱) آنها در مورد نقش همنشینان بزهکار می‌گویند: احتمال بزه دیدگی افرادی که رابطه شخصی، اجتماعی یا شغلی نزدیکی با بزهکاران و مجرمان بالقوه دارند، بیش از افرادی است که این ارتباط را ندارند احتمال کنش متقابل اجتماعی افرادی که در ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی با مجرمان بالقوه اشتراک دارند، با این دسته از مجرمان بیشتر است همین امر نیز سبب می‌شود که احتمال بزه دیدگی این افراد، به دست آن مجرمان، فزونی یابد ساترلند می‌گوید برای آن که شخصی تبه‌کار گردد، نخست باید یاد بگیرد که چگونه تبه‌کار شود وی سپس ادامه می‌دهد که این یادگیری در نتیجه کنش متقابل اجتماعی فرد با دیگران حاصل می‌شود بیشتر افراد هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های منحرف قرار می‌گیرند و هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های غیر منحرف او ارتباط متقابل با این گروه‌ها را بر حسب: بسامد، اولویت، دوام و شدت اندازه‌گیری کرد هر چه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های منحرف بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد، احتمال رفتار انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود بر عکس، اگر سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های غیرمنحرف، باز هم بر حسب این چهار متغیر، بیشتر باشد، احتمال رفتار غیر انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود از سوی دیگر، تأثیر گروه همسالان در دوره بلوغ به اوج می‌رسد؛ یعنی دوره‌ای که این گروه سنی طبق سلیقه‌ها، نحوه پوشش، اصطلاحات، نهادها، ارزش‌ها و قهرمانان خود آماده شکل بخشیدن به یک خرده فرهنگ متمایز می‌باشد، گروه همسالان از طریق اعطای پاداش یا انتقاد و تحریم، در قبال هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی اعضا باهنجارهای گروه، تأثیر بسیار نیرومندی را بر رفتار و شخصیت اجتماعی آنان اعمال می‌کنند (حاجی‌آقایی، ۱۳۸۵، ۲۴۲) او در نهایت رفتار انحرافی را از طریق معاشرت با دوستان ناباب قابل یادگیری می‌داند رفتار انحرافی فرد می‌تواند از جنبه‌های خاصی مانند فراوانی، اولویت، دوام و شدت تماس متفاوت باشد عبارتی هر چه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های تبه‌کار بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد احتمال کجروی بیشتری وجود دارد او بر این باور است که اصولاً خانواده به طور مداوم با کودک برخورد دارد و این برخورد با سن طفل بستگی کامل دارد سنی که در آن کودک آزادی کامل ندارد و کاملاً آسیب پذیر است از زمان تولد تا ۷ سالگی است از اینرو این محیط خانواده است که نقش اساسی را در حالت بعدی طفل بازی می‌کند هیچ کودکی از آغاز تولد اجباراً بزه‌کار متولد نشده و به او نگفته‌اند که به قانون بی‌احترامی کند اما در ابتدای امر این خانواده است که راه آینده‌ی طفل را تعیین می‌کند (صادقی، ۱۳۸۴، ۵۴) السدیر مک‌این‌تایر معتقد است که دنیای غرب اینک به شدت دچار نابسامانی اخلاقی است و معیارهای تشخیص نیک و بد را از دست داده است و بیش از هر چیز به نقد عاطفه‌گرایی، سودگرایی، لیبرالیسم و مدرنیسم در اخلاق و سیاست توجه کرده است به طوری که اینک او را یکی از بزرگ‌ترین منتقدان لیبرالیسم غربی می‌دانند به حدی که هرکس اینک در مباحث عدالت اجتماعی، فضیلت اخلاقی و آزادی سیاسی قلم می‌زند ناچار است به نظریات او عنایتی ویژه داشته باشد از اینرو او یکی از مدافعان جدی ارسطوگرایی که یکی از تقریرهای تفکر اخلاق دینی است محسوب می‌دارند (حیدری، ۱۳۸۵)

۷. نقش کارکر اقتصادی شهری در آسیب‌های اجتماعی خانواده:

بحران اقتصادی (تورم، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش مداوم قیمت‌ها، بیکاری، عدم اشتغال و ...) و نتایج اجتماعی آن آشکارتر از آن است که نیازی به تشریح و اثبات داشته باشد از اینرو رشد میزان جرائم و بزهکاری به موازات رشد نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی کاملاً مشهور است اما موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که علاوه بر زمینه اقتصادی که علت اصلی است زمینه و عوامل فرهنگی، القانات وسایل ارتباطی، پاره‌ای از وسائل ارتباط جمعی، سست شدن نهاد خانواده و تاثیرات تربیتی آن، ثروت‌اندوزی، نیز به نوبه خود موثر است نوسانات اقتصادی، نوسانات قیمت‌ها، دستمزدها، بازار، پول، تاثیر فراوانی در ارتکاب جرائم مالی دارد، زیرا اگر اوضاع اقتصادی روبه بهبودی رود جرائم علیه اموال مانند دزدی و غیره تقلیل می‌یابد بر عکس، شرایط نامساعد اقتصادی موجب ازدیاد اینگونه جرائم می‌شود جرائم فقط جنبه مالی ندارند بلکه جرائم علیه اشخاص و علیه اخلاق نیز وقوع می‌یابند و اگر چه این قبیل جرائم همیشه وجود دارند ولی تاثیر نوسانات اقتصادی در آنها را نمی‌توان انکار کرد در کارکرد اقتصادی حوزه‌های اجتماعی، جدایی‌گزینی اجتماعی، طبقات اجتماعی و... موجب عدم تعادل-هایی در محیط‌های شهری و محلات آن می‌گردد تجمع ثروت در محلات غنی‌نشین موجب ایجاد فضاهای عالی و محیط زیست برتر و تجمع فقرا در محلات فقیرنشین موجب ایجاد محلات آلوده و ... می‌شود و حتی بسیاری از تفاوت‌های اجتماعی محصول افزایش مشاغل تخصصی است مهمترین عللی که در پیدایش و گسترش جرائم شهری به عنوان عوامل فرضی معتبر مورد استفاده و اتفاق نظر بسیاری از تئوری‌های شهری قرار گرفته عبارت است از افزایش دامنه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرها، افزایش تضاد میان هنجارها و نقش‌های اجتماعی افراد و بعلاوه تنزل روابط شخصی و عاطفی افراد که غیر مستقیم در تولید و توسعه جرائم اجتماعی و شهری دخالت موثر داشته و دارد مناطق مرکز تجاری شهری که بیشترین مراکز تجاری و معاملاتی شهر در آن قرار دارد بخش مرکز تجاری محسوب می‌شود این بخش به دلیل تعدد انواع مختلف از معاملات مستعد زایش انواع جرائم شهری است برپایه این نظریه هر قدر فاصله از مناطق مرکزی بیشتر می‌شود شدت و فراوانی بیماری-های شهری نیز کاهش می‌یابد از اینرو بالا بودن نرخ جمعیت ناپایدار در یک مکان عامل مهمی در پیشگیری از شکل‌گیری یک محیط اجتماعی با ثبات است و در نتیجه اثرات بارزی بر سازمان اجتماعی محیط مسکونی بر جای خواهد گذارد و در منطقه‌ای که دارای جمعیت ناپایدار و بی ثبات است کنترل اجتماعی از قبیل بد گویی از جرم، عقیده عمومی، پاسداری عمومی و نظارت والدین بر رفتار فرزندان در حدی نیست که بتوان مانع از انحراف هنجاره و ارزش‌ها گردد توصیه‌های مربوط به این موضوع در قرآن کریم این است که تا زمانی که انسان احساس بی نیازی نکند طغیانگر خواهد بود همانطور که حرص حضرت آدم عامل عصیان وی از فرمان خداوند شد در این رابطه هنگامی که مساحت کشورهای اسلامی و افراد آن در عصر اول با جنایات و جرائمی که در آن روزگار انجام می‌گرفت بسنجیم در می‌یابیم که جرائم و جنایات نسبت به آن جمعیت بسیار کم بوده است در اثر اخلاق و کمالات و پیوند صمیمانه فرد با فرد، فرد با اجتماع و اجتماع با اجتماع، مفاسد کاسته شده بود، مسلمانان به فضایل بیشتری می‌اندیشیدند، از مفاسد پرهیز داشتند، به تکاثر و زراندوزی بها نمی‌دادند، از مادیات به قدر ضرورت و رفع نیاز بهره می‌جستند تحقیقات استانیو نشان می‌دهد در بعضی از محلات پاریس که از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و فقیر هستند اکثریت ساکنان آن را کارگران عادی و بدون کوچکترین اطلاعات فنی تشکیل می‌دهند بعد از کار فرساینده روزانه در برابر داد و فریاد افراد خانواده و مشاهده زد و خورد آنان به می‌گساری می‌پردازند او به این نتیجه می‌رسد که در این گونه محلات که شکم حکومت می‌کند فرهنگ معنایی ندارد (علوی‌یزدی، ۱۳۸۳، ۸۰) از دیدگاه سی‌رایت‌میلز جامعه‌شناس آمریکایی در شهرهای پرجمعیت، پرتراکم و با تضادهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، اغنیا و ثروتمندان با کمک گرفتن از ثروت خود در

قالب اماکن مسکونی متعدد اتومبیل های گوناگون و ... کمتر مشکلات و مسائل عامه مردم را حس می کنند (شیخی، ۱۳۹۰، ۸۶) به عبارت دیگر این قشر اقلیت، خود را به راحتی با شرایط جدید تطبیق می دهد در حالی که ضعفا، طبقات کارگری و مهاجران جدید ناچارند با محرومیتها و مشکلات جدید شهری سازش داشته باشند و اما دیکنز، گانز، شوو، کلارک، هاروی، کاستل، وامسلی، فیشر انگیزه های سوداگرانه و منفعت طلبانه را عامل عمده ای در جهت افزایش عدم امنیت اجتماعی قلمداد می کنند (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۹) ژاک سایران جرم شناس معروف فرانسوی عقیده دارد که زندگی انسان بطور مطلق و عمومی از تاثیر عامل اقتصادی بر کنار نیست و کاملا وابسته به میزان درآمد است و گرچه او در عین حال که به ترکیبات عوامل دیگر نیز مقتقد است و جرم را معلول و نتیجه ترکیب عوامل پیچیده اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می داند (مساواتی آذر، ۱۳۸۰، ۱۳۳) با وجود این او به اولویت تاثیر عامل اقتصادی اصرار دارد زیرا سایر نیازهای انسان مانند آموزش و پرورش، بهداشت و ... می تواند با رفع نیازهای مادی اصلی مانند تغذیه و مسکن در محیط کاملا تغییر پیدا کند بنابر این برطبق نظر او اگر در شخصیت و رفتارهای افراد تفاوت هایی وجود دارد این تفاوت ها از اختلافات شرایط اقتصادی ناشی می شود و اختلافات طبقاتی و شغل در آن نقش مهمی بازی می کرد سن سیمون و بسیاری از نویسندگان و پندارگران نظیر آدام اسمیت و مارکس و پرودون پذیرفته اند که عوامل اقتصادی در حیات اجتماعی اثر غیر قابل انکاری دارد (مساواتی آذر، ۱۳۸۰، ۱۳۵) و امروزه بسیاری از جوامع بر محور کارکرد اقتصادی استوار است این پندارگران معتقدند که نابسامانی های سیستم اقتصادی و فنی در ناتوانی کنترل تولید و چگونگی توزیع آن در جامعه موجب پدیدار شدن برخی از کجروی های اجتماعی می شود و بنابر این از دیدگاه این پندارگران کاملا بخردانه است که پیدایش و گسترش ناهنجاری های اجتماعی با ویژگی های اقتصادی جوامع مربوط سنجیده شود دنیس اسزابو که روابط سطح زندگی را با بزهکاری بررسی کرده نتیجه گرفت که فقر عمومی یک ناحیه یک عامل مولد جرم محسوب نمی شود تافت نیز عقیده دارد بین فقر و بزهکاری رابطه ای وجود ندارد او نوشت که اگر اغلب بزهکاران مردمی فقیر و نیازمندند اما تمام نیازمندان بزهکار نیستند این جرم شناسان بر این عقیده اند که شرایط و اوضاع نامساعد و حتی فقر از عوامل مستقیم جرم نمی باشد به نظر آنها چه بسیارند افرادی که با همه تهیدستی دست خود را به فساد نمی آلاینند و حتی در سخت ترین مراحل زندگی تقوای نفس خود را حفظ می کنند برعکس برخی از افراد ثروتمند که در کمال رفاه زندگی می کنند خود را به فساد آلوده می کنند کلاهداران و جنایتکاران یقه سفید از این جمله افراد هستند همانطور که ساترلند می گوید اینان جنایتکاران اصلی می باشند که جنایات آنها حتی در بسیاری از موارد کشف نمی شود و یا آنها مورد تعقیب قرار نمی گیرند گلود فوشه اسقف فرانسوی می گوید سه منشاء بزرگ تبهکاری عبارت است از ثروت فوق العاده، بدبختی فوق العاده، بیکاری (همان، ۱۳۲) با توجه به نظرات فوق بدون تردید اوضاع اقتصادی انعکاس های زنجیری دارند، وضع مسکن، مصرف، اوقات بیکاری، تغذیه، بهداشت، لباس، آموزش و پرورش و از همه مهمتر شکل زندگی محیط خانواده تابع شرایط اقتصادی هستند در واقع جوانان و اطفالی که امکانات مالی آنها ناچیز است بیشتر از دیگران در معرض خطر بزهکاری قرار دارند (همان، ۱۳۸) تامس کوهن یک نکته فوق العاده مهم را مطرح می کند و چنین اظهار می دارد: پسران طبقه پایین اجتماعی از نظر آموزش در سطح پایین قرار دارند و آنها همانند بچه های طبقه متوسط تربیت نمی شوند و مانند طبقات متوسط از شایستگی های آموزشی برخوردار نمی گردند از اینرو آنها برای رقابت های سالم در مقابل دیگران و حل مشکلات اجتماعی شان به خوبی مجهز نمی شوند (همان، ۱۴۱) بنابراین ریشه تمایلات ضد اجتماعی این گروه از جوانان مربوط به نقایص اقتصادی، تربیتی و آموزشی است و به نظر او تمایلات ضد اجتماعی نتایج این گونه عناصر است زیرا مسایل این تیپ از جوانان قبلا حل نشده و اولیای امور نیز به مسائل و مشکلات شان بی توجهی نشان داده و به همین علت این گروه از جوانان بجای آنکه مسائله خود را با والدین شان

در میان بگذارند و به آنها ابراز دارند و یا به مقامات مسئول و اولیای امور اعتناکنند می‌خواهند مشکلاتشان را با روش‌های انحرافی و اعمال ضد اجتماعی حل نمایند و اما طبق نظر: الیم و کلووارد بزهکاری نوجوانان از فقدان امکانات آنها ناشی می‌شود و بهترین راه پیشگیری نیز فراهم آوردن امکانات اقتصادی برای جوانان است فلورین و کواریژی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بزهکاری انعکاس غیر مستقیم شرایط اجتماعی و مخصوصا وضع اقتصادی است ولگردی که به نظر پرنس کارآموزی جنایت می‌باشد، انعکاس فوری این شرایط است این دو دانشمند بدین نحو اثبات می‌کنند که ولگردی نتیجه اختلال و دگرگونی اجتماعی و نتیجه ضعف اقتصادی است با توجه به نظر دکتر جی-ال-برن می‌توان گفت ساختمان اقتصادی در زندگی یک اجتماع تاثیر دارد و یا به بیان صحیح‌تر و شیواتر رژیم سرمایه‌داری منشاء بروز جرائم است و ارتکاب جرم واکنشی است بر ضد بیدارگری اجتماعی افلاطون نیز عقیده دارد برخی افراد کم‌درآمد برای اینکه بتوانند مانند ثروتمندان زندگی خوبی داشته باشند در مواردی اقدام به قتل عمد به خاطر بدست آوردن مال می‌کنند که افلاطون آنرا حسد نامیده است البته در پاره ای موارد این موضوع در مواقع نادر در خانواده‌های ثروتمندان نیز صادق است که در نتیجه زیاده خواهی رخ می‌دهد زیمیل در نیمه دوم سده نوزدهم معتقد بود که در کنار رشد چشمگیر فیزیکی شهرها، الگوی توسعه فنی و اجتماعی جدید همراه با فلسفه جدید زندگی دنیاگرا سبب تباهی‌ها و مفساد فراوان در شهرهای جدید بوده است (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۶) او در کتاب معروف خود "فلسفه پول" پیامدهای بسیار خطرناک اقتصاد و ماتریالیستی در شهرهای جدید و سلطه مادی گرایی بر نفوس و آرزوهای شهرنشینان و سرانجام مصنوعی شدن و مادی شدن روابط انسانی را مورد تحقیق قرارداد در اندیشه زیمیل توسعه شهر خود بخشی از جریان تاریخی است که با انقلاب صنعتی و گسترش فرهنگ جدید اجتماعی به جامعه‌ها تحمیل گردیده است اما او بر این نظر بود که عوارض و آفات زندگی شهری مقوله‌ای جدا از ساختار درونی فیزیکی و اجتماعی شهرها است به عبارت دیگر او بیماری‌های شهرنشینی را بیشتر ناشی از مکانیسم کارکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم می‌دانست تا آن که بخواهد برای آنها عللی لزوما شهری بیابد (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۵) امانوئل کاستل تشدید ناملایمات شهری در کشورهای جهان سوم را در امتداد توسعه ظلم سرمایه‌داری قابل تبیین دانسته است ایشان زیستگاه‌های جهان سوم را کانون‌های بسط جریان فرهنگ مصرفی و نقاطی می‌داند که افزایش فاصله میان کار و سرمایه، فرهنگ انسانی را به سمت تبهکاری و جنایت در شهرها سوق داده است (همان، ۸۸) دوک پسیو در کتاب شرایط فیزیکی و اخلاقی جوانان کارگر با آمار نشان داد که فقر و بحران اقتصادی که یکی از شاخص‌های آن بیکاری است رابطه معناداری با بزهکاری دارد و نیز صنعتی شدن جامعه بر تعداد جرائم می‌افزاید (نجفی- ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۱) بورت در سال ۱۸۴۲ بر اساس مطالعات خود در لندن و پاریس تنزل کیفیت شرایط کار به خاطر صنعتی شدن و کاهش قیمت‌ها و دستمزدها بدلیل رقابت شدید را بعنوان عوامل اصلی افزایش تعداد سرقت‌ها و شورش‌های ناشی از قحطی و گرسنگی اعلام کرد پس به تعبیر او بزهکاری نتیجه سوء عملکرد اجتماعی است و دلایل آنرا باید در ساختار اجتماعی (جبریت اجتماعی) جستجو کرد (نجفی‌ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۱) از نظر کی‌نیا ناکامی و محرومیت کودکان در ارضای نیازهای اصلی از علل بزهکاری است کودک ناکام هنگامی که می‌کوشد تا خود را از عدم تعادل عاطفی رهایی بخشد به‌طور ناخودآگاه دو راه بیشتر در پیش ندارد بزهکاری یا روان نژندی؛ اگر تمایلات سرکوب گردد روان نژندی بروز می‌کند و اگر کودکی امکان مقاومت در برابر فشار محیط را از دست بدهد لاجرم دست به جنایت می‌زند (علوم‌یزدی، ۱۳۸۳، ۹) آبراهام مزلو روان‌شناس معروف آمریکایی است و برای انسان یک سلسله نیازهای بنیادی در نظر گرفته است که از آن جمله‌اند: او نیاز به غذا و خواب (باید این نیازها تامین شود تا شخص بتواند روی پایش به ایستد) دوم تامین امنیت: شامل امنیت شغلی، جانی، مالی و ناموسی، بعد از تامین نیازهای فیزیولوژیکی (نیازهای بدنی) که گفته شد باید این نیازها نیز تامین شود تا شخص

احساس آرامش کند سوم نیازهای عشقی و تعلقی، بدون شک هر موجود زنده‌ای نیازهای عشقی دارد که باید آنها نیز تامین شود چهارمین نیاز حرمت نفس است به قول سعدی که می‌فرماید سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است عزیز ... یعنی محیط اجتماعی ما باید انسان‌ساز باشد و حرمت نفس ما حفظ شود دو نیاز دیگر نیز وجود دارد یکی نیاز به دانایی که در مرتبه بالاتر قرار دارد و دیگر نیاز به زیبایی انسان احتیاج به دیدن مناظر خوب و قشنگ دارد اینها نیازهای بشری هستند و تا این نیازها را رفع نکنیم فقر از میان ما نمی‌رود و مدینه فاضله عبارت است از جامعه‌ای که نیازهایش رفع شده باشد (پارسا، ۱۳۷۵، ۱۹)

۸. اثرات کارکر بهداشتی و درمانی شهر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده در محیط شهری :

اگرچه تحقیقاتی که درباره هوش افراد بزهکار در کشورهای مختلف نموده‌اند اما به نتیجه قطعی نرسیده است و در بعضی از موارد معلوم شده است که معدل هوشی گروه بزهکار تفاوت محسوسی با جمعیت کل ندارد ولی به این نتیجه هم رسیده‌اند که در بسیاری از موارد بزهکاری معلول کم‌هوشی است اگر هم نتوان قاعده کلی در جمعیت برای ارتباط هوش با بزهکاری پیدا کرد ولی می‌دانیم که کم‌هوشی در فرد به خصوص امکانات رفتار جرم‌آمیز را در او موثر می‌نماید در فرهنگ اسلام رعایت بهداشت فردی و محیطی گامی در مسیر عبادت و جلب رضای خدا و در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است امروزه در- راستای احیای تفکر دینی و با توجه با اینکه فرهنگ یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در اقدامات اجتماعی است، مبانی اعتقادی و عملی بهداشت و حفظ محیط‌زیست و آموزه‌های فراوانی که در فرهنگ اسلامی وجود دارد می‌تواند سرلوحه تلاش‌های فرهنگی قرار گیرد (مجموعه مقالات قران و طب، ۱۳۸۵، ۴۶۱) پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: اسلام پاکیزه است شما نیز با تمام توان تلاش کنید پاکیزه باشید زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده است و بجز پاکیزگان کسی به بهشت نمی‌رود این پاکیزگی نه تنها رعایت نکات بهداشتی و دوری از آلودگی فردی بلکه تمام ابعاد و جنبه‌های زندگی انسان و الودگی‌های محیط زیست را نیز شامل می‌شود (همان، ۴۶۱) امام صادق(ع) می‌فرماید: خدایا از تو آرایش، زینت و زیبایی، محبت و دوستی را می‌خواهم و از زشتی و کینه توزی و نفرت به تو پناه می‌برم قراردادن سلامت به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، تغییر رفتار مردم و جایگزین کردن عادات بهداشتی، تشویق مردم در استفاده صحیح از خدمات بهداشتی از اهداف آموزش بهداشت است هزینه کردن برای سلامتی سرمایه‌گذاری است دیدگاه امام علی ابن ابیطالب(ع) در راستای تغییر رفتار مردم و جایگزین کردن رفتار مطلوب است می‌فرماید: خداوند پیامبر اسلام را هشدار دهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد آنگاه که شما ملت عرب بدترین دین را داشتید در بدترین خانه‌ها زندگی می‌کردید میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک بسر می‌بردید آب‌های آلوده می‌نوشیدید، غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید در حالیکه قران سلامت را به عنوان یک ارزش و از ویژگی‌های انسان مومن بر می‌شمارد: مگر کسیکه خداوند به او قلب سلیم داده است حضرت علی(ع) سلامتی و امنیت را دو نعمت الهی می‌داند سلامت جسمی و روانی انسان با مکان زندگی ارتباط مستقیمی دارد مناسب بودن ابعاد مختلف مسکن باعث آرامش روانی، دلپذیر شدن محیط مسکن، ایمنی و کاهش سوانح می- شود اندازه و تناسب مسکن برای استراحت و فعالیت‌های خانگی یا تفریحات و امکانات بازی برای کودکان که در رشد و پرورش اجتماعی آنها تاثیرگذار است بطوریکه اگر برای هر فردی در مسکن فضای کمتر از ۸ تا ۱۰ متر در نظر گرفته شود در روابط خانوادگی اختلالات فراوانی بوجود می‌آید البته سرانه مسکن در ایران برابر ۲۰ متر مربع می‌باشد شرایط غیر بهداشتی مسکن در رشد جسمی و تکامل روانی کودکان تاثیر زیادی دارد مثلا افرادی که از خانه‌های کوچک به خانه‌های بزرگتر نقل مکان

کرده‌اند اظهار داشته‌اند که کودکان به دلیل در اختیار داشتن فضای کافی آرام‌تر شده‌اند امام باقر(ع) می‌فرماید: از بدبختی و سختی زندگی تنگ بودن منزل است مسکن در عین حالی که رشد عاطفی و فکری خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد داشتن فضای اختصاصی موجب می‌شود تا کودکان احساس مالکیت و استقلال کنند و از دیگر سو والدین نیز ارتباط صمیمانه خود را حفظ کنند و باعث انحراف فرزندان نشوند امام هادی(ع) از قول امام صادق(ع) فرمودند: خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و تنگدستی و تظاهر به فقر را دشمن می‌دارد خداوند نعمتی بر بندای ارزانی می‌فرماید دوست دارد که اثر آن نعمت را در وی ببیند یعنی جامه‌اش را پاکیزه، بویش را خوش، خانه‌اش را گنج کاری کند و حیاط‌خانه را بروبد و چراغ آن را پیش از غروب روشن کند ایرانیان قدیم عقیده داشتند زمین و آب را باید از آلودگی پاک نگه داشت در حالیکه در آن هنگام شماره افراد بشر خیلی کم و زمین برای سکونت آنها خیلی زیاد بود آنها همچنین معتقد بودند که بدن را باید پاک نگهداشت و برای رعایت این دستور بدن را با آب می‌شستند اما در رودخانه‌ها غوطه نمی‌خوردند که مبادا آب را آلوده نمایند و چون نمی‌توانستند در فصل زمستان بدن را با آب سرد بشویند آب را گرم می‌کردند بدینصورت حمام برای شستن بدن در ایران اختراع شد و اقوام دیگر حمام را از ایرانیان اقتباس کردند از ابتکارات ایرانیان برای پاک نگهداشتن زمین و آب (آب جاری و آب برکه و دریاچه) کندن چاه است ملل دیگر چاه نداشتند و زباله و فاضلاب را بر زمین جاری می‌کردند و زمین را آلوده می‌نمودند و امراض گوناگون بوجود می‌آوردند ولی ایرانیان از قدیم چاه داشتند آنها از این جهت چاه حفر کردند که وقتی بدن را با آب می‌شویند آب آلوده بر زمین جاری نگردد و در چاه فرو برود این ابتکار از معتقدات دینی ایرانیان قدیم سرچشمه می‌گرفت در حالی که بعضی از ملت‌های اروپا تا قرن هجدهم میلادی چاه نداشتند و فاضلاب را به وسیله ظروف حمل می‌کردند و در رودخانه‌ها می‌ریختند و سبب آلودگی آب می‌شدند.

۹. نقش کارکر مسکونی شهر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده در محیط شهری :

امروزه در بسیاری از شهرها وضعیت آپارتمان‌ها و محلات و حتی تعداد طبقات محلات کیفیت و وضعیت ظاهری آپارتمان و محلات از لحاظ شیک بودن، سرسبز بودن و نور کافی داشتن و ... عواملی است که در نوع آسیب‌های اجتماعی در آپارتمان‌ها و محلات مسکونی تاثیر دارد بر حسب تحقیقات دامنه دار در فرانسه معلوم گردیده است که زندگی در طبقات بالای ساختمان یعنی از طبقه ششم به بالا در ارتکاب جرائم و خشونت بسیار موثر است کسانی که در مجتمع‌های بزرگ شهری و ساختمان‌های بسیار بلند زندگی می‌کنند کمتر احساس امنیت نموده و همین احساس عدم امنیت آنها را مضطرب و نگران نموده و در معرض ارتکاب خشونت قرار می‌دهد خاصه آن که در این ساختمان‌های بلند به علت صرفه جویی وسعت تمام اطاقها و مکان زندگی کاملا حساب شده و به حداقل تنزل داده شده است هیچ کس صاحب حیاط یا فضای اختصاصی نیست که به تنهایی و یا آزادانه از آن استفاده نماید همه این امور موجب ازدیاد عصبانیت و بالنتیجه ازدیاد جرم است (مسگرانی‌طرقبه، ۱۳۷۹، ۱۴۵) به طوریکه در گزارش کمیته متخصصان در فرانسه نیز نظر وزیر دادگستری فرانسه آمده است: ساختمان‌های مرتفع جنایت‌زا است، عامل دیگر رشد جنایت ارتفاع ساختمان‌هاست و به عبارت دیگر افزایش رشد جنایات بستگی به طبقات ساختمان دارد و ادامه می‌دهد: وضع ساختمان‌های یکنواخت و ساختمان‌های مسکونی و اجاری ارزان قیمت در ارتکاب جرم بی‌اثر نیست بنابراین این افزایش اماکن مسکونی به شکل عمودی و آپارتمانی عموماً مشکل فضا و بازی بچه‌ها را نیز به دنبال آورده است (شیخی، ۱۳۹۰، ۳۲) این وضعیت در کشورهای جهان سوم بیشتر به چشم می‌خورد و اما در جوامع صنعتی در کنار ساختمان‌سازی شهری مسائل مربوط به فضای پرورشی، زمین‌های بازی، فضای سبز، پارک‌ها و نظایر آنها رعایت شده و مورد توجه قرار می‌-

گیرد بسیاری از محققان معتقدند که درصد بزهکاری نوجوانان در محله‌های فقیر نشین بیشتر از محله‌های اعیان نشین است (علوم‌ی‌زدی، ۱۳۸۳، ۸۰) و بدین ترتیب اکثر جامعه شناسان معتقدند که بزهکاری در شرایط نامناسب محیط زندگی رخ می‌دهد زیرا در اثر شرایط نامناسب محیط‌ترس و ناامیدی از آینده است (مساواتی‌آذر، ۱۳۸۰، ۱۳۹) علاوه بر این شرایط نامناسب مسکن نیز یکی از عواملی است که تعادل روانی اطفال و جوانان را مختل می‌سازد و مانع تفاهم و سازگاری اجتماعی آنها می‌گردد در قرن نوزدهم محققین و آمارگران و جرم شناسان معروف مانند "Qaetelet" بلژیکی (۱۷۹۸-۱۸۷۴) و "Guarry" و "Joly" فرانسوی اثرات طبیعی را روی مجرمیت بررسی کرده‌اند و این موضوع محقق شده است که طبقه زندگی و طرز فکر عمومی مردمان شهری با آنهایی که در کوهستان و دهات زندگی می‌کنند یکی نیست و همین طور است در مورد ساکنین نقاط ساحلی و نزدیک به دریا با آنها که دور از این نقاط و در قسمت وسط مملکت زندگی می‌نمایند بالنتیجه نوع و فرم و چگونگی مجرمیت با اختلاف موقعیت جغرافیایی تغییر می‌نماید (غضنفری، ۱۳۳۹، ۵) از طرفی دیگر مجرمیت بطور نسبی در شهرها بواسطه تفاوت و اختلاف شرایط زندگی زیادتر از قصبات بوده و عده مجرمین نیز در شهرها بیشتر از دهات و قصبات که در آن اشخاص همدیگر را بهتر شناخته و از یکدیگر مراقبت می‌نمایند، می‌باشد بزهکاری افراد در مناطق مسکونی پر تراکم با مناطق روستایی و امثال آن متفاوت است حتی نوع روابط بین اشخاص در مناطق متراکم با مناطق مسکونی غیر متراکم نیز متفاوت است- بطوریکه بزهکاری درحاشیه شهرها، خانه‌های مقوایی و ... با بزهکاری در دیگر مناطق شهری متفاوت عمل می‌کند مساحت کم محل سکونت و سروصدای زیاد آن‌ها موجب فرار کودک از منزل می‌شود و والدین خسته و محتاج به استراحت فرار کودک از منزل را تشویق می‌کنند، کودکان برای بازی فرار به کوچه و خیابان پناه می‌برند شاید تعداد معدودی از مردم تصور نمایند که خانه‌های نامناسب نمی‌تواند آفریننده جرم و جنایت باشند اما واقعیت این است که افرادی بی شمار عقیده دارند، ریشه انحرافات باید در منازل مسکونی نامناسب جستجو کرد و مساکن در ایجاد کجروی ها و بزهکاری نقش مهمی را بازی می‌کنند در تمام جوامع طبقاتی بیشترین مجرمین متعلق به نواحی پست و نامناسب است تا نواحی معمولی و همینطور بیشتر مراکز فحشاء در نقاط به اصطلاح پایین شهر قرار دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۲۳) در واقع رابطه بزهکاری با محل سکونت ناشی از این عوامل است:

-نواحی دارنده خانه‌های ارزان قیمت، خیابان‌های تنگ و پرپیچ و خم و شلوغ عرق فروشی و آبجو فروشی‌های متعدد، نسبت و میزان زیادی از بزهکاری را دارا هستند

-به علت ازدحام و شلوغی خانه‌ها، دختران و پسران مجبورند با بزرگسالان در یک اتاق زندگی نمایند و بیشتر اوقات با افراد بیگانه (مهمان و ...) در یک جا بسر ببرند و چهار یا پنج نفر از یک اتاق به عنوان خوابگاه استفاده نمایند .

-نقاطی از شهر که از نظر ازدحام، داشتن منازل نامناسب و مراکز تفریحی غیر بهداشتی جزء نقاط عقب مانده و فقیر نشین به حساب می‌آیند از نظر ایجاد بزهکاری و موارد جرم سهم بیشتری را دارا هستند

-خانه‌هایی که مردمان کجرو بدان وابسته‌اند معمولا جایی نامناسب است و آنها از هیچگونه امکانات بهداشتی و تفریحی برخوردار نیستند .

بدین ترتیب شرایط نامناسب مسکن یکی از عواملی است که تعادل روانی اطفال و جوانان را مختل کرده و مانع تفاهم و سازش اجتماعی آنها می‌گردد طوری که تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد ۳۲ درصد مجرمان در خانه‌های استیجاری سکونت داشته‌اند و میزان بزهکاری و پریشانی روانی آنها در نواحی فقیر نشین و خانه‌های نامناسب و آلوده و بدون تجهیزات ایمنی سه و نیم برابر بیش از سایر نقاط شهری است در مکانیزم جبران اگر محیط مناسب ایجاد شود بجای ارتکاب اعمال بزهکارانه توجه

فرد بسوی مسائل دیگری معطوف می‌شود بدین معنی که فرد کوشش می‌کند تا نقائص عقده حقارت را از راه دیگری که پسندیده است جبران کند مثلاً بکارهای هنری و ادبی و ورزشی و فعالیت های دیگر اجتماعی بپردازد در این موقع است که از مکانیسم تعویض یا جانشین نمودن استفاده می‌کنند (مساواتی‌آذر، ۱۳۵۸، ۵۶) بررسی‌های بعمل آمده در پاریس مشخص کرده بین خانواده‌هایی که ۲ تا ۶ نفر در یک اتاق سکونت دارند تعداد نوزادان غیر طبیعی بیشتر است همچنین اگر فضای مسکونی برای هر نفر کمتر از ۸ تا ۱۰ متر مربع باشد در روابط خانواده اختلال فراوانی بوجود خواهد آمد از سوی دیگر حدود ۷۵ درصد از موارد بیماری‌های روانی در نواحی شهری ناسالم و در مسکن پرجمعیت مشاهده شده است در لوس آنجلس مشاهده گردیده است که در مسکن‌های ناسالم نسبت بزهکاری جوانان ۶۸ در هزار در مقابل ۱۰ در هزار در محلات عادی و در فرانسه ۷۴ درصد موارد بزهکاری‌ها در محلات و مناطق ناسالم ملاحظه شده است (توسلی، ۱۳۵۳، ۶۴) از اینرو می‌توان پذیرفت که مسکن ناسالم و معیوب از دو طریق محیط مساعدی برای ایجاد جرم می‌باشد. نخست برهم زدن روابط عاطفی کودک و والدین از همان ابتدای زندگی، دوم بدلیل اینکه هرگونه زندگی فردی و اجتماعی را جز در کوچه و خیابان برای نوجوانان غیر ممکن می‌سازد بافت‌های فرسوده شهری به دلیل عدم توجه به الزامات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی با از بین رفتن حس تعلق در این بافت‌ها زمینه‌های لازم برای آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورده‌اند یکی از اهداف اساسی در معماری بناهای مسکونی یا تجاری حفظ ایمنی و آرامش است که از طریق گسترش دسترسی پذیری و امنیت کالبدی حاصل می‌شود بر این اساس کارکرد معماری و مسکونی باید محیط‌های انسان ساخت شهری را بدان گونه طراحی کند که از پتانسیل کافی برای جرم خیزی برخوردار نباشد خداوند در دو آیه از آیات سوره نحل در مورد مسکن، نعمت‌های خدا را گوشزد کرده و می‌فرماید: ای بندگان من که ایمان آورده اید زمین من وسیع است پس با سکونت در سرزمین مناسب تنها مرا بپرستید (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶، ۸۴) از روایات مختلف این گونه به دست می‌آید که برخوردار بودن از خانه وسیع از سعادت انسان است؛ ولی وسعت منزل بر حسب افراد و موقعیت‌های آنان متفاوت است و فراهم کردن مسکن بیش از حد نیاز و کفایت مذمت و تقبیح شده است در واقع وسعت یک واحد مسکونی در صورتی پسندیده است که در خدمت نیازهای انسان باشد، نه خارج از آن معمرین خلاد در یک روایت معتبر می‌گوید: حضرت امام رضا (ع) منزلی را خریداری نمودند و به خدمتگزار خود دستور دادند تا بدان منزل برود و فرمودند: منزل تو تنگ است او گفت: این منزل را پدرم ساخته است حضرت فرمودند: اگر پدرت کار نادرستی کرده باشد سزاوار است تو مثل او باشی؟ در این جا این توضیح لازم است که ممکن است حضرت از موقعیت و وضع مالی پدر خادم خود مطلع بوده و او با داشتن تمکن و قدرت مالی برای ساختن منزلی وسیع‌تر، مسکنی ضیق برای خود و یا فرزندش ساخته بوده است (موسوی‌کاشمری، ۱۳۸۸، ۱۹۰) امام علی (ع) فرموده در شهرهای بزرگ مسکن‌گزین چرا که فراهم آورنده‌ی انبوهه‌های مسلمان است و از منازل و محل‌های فراموش شده و بریده از خلق که طاعت حق را یاران کمتری دارد دوری کن (علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع)، ۱۳۷۴، ۳۸۱) محمدحمصی و توماس کسلر براین عقیده هستند که میان جرائم شهری با درآمد و بهای مسکن ارتباطی وجود دارد به طوریکه جرم خیزترین مناطق در نقاطی قرار دارد که مسکن آنها بهای کمتری دارد و معمولاً از انواع مجتمع‌های استیجاری‌اند که برای افراد کم درآمد احداث شده‌اند (نصیری، ۱۳۸۲، ۹۴) بر اساس تحقیقات رجیتا واحدهای همسایگی که ساکنانی با کم‌ترین سطح درآمد و تحصیلات بیش‌ترین نسبت مردان جوان را در خودجای داده‌اند، بیش‌ترین جرائم اتفاق می‌افتد همچنین مباحث مرتبط با مسکن بر سطح جرائم واحدهای همسایگی تاثیرگذار بوده است به این ترتیب که واحدهای همسایگی با نسبت زیاد مستاجران در مقایسه با تعداد مالکان به بیش‌ترین جرائم خشن تمایل دارند، در صورتی که سطح جرائم مرتبط با اموال، در واحدهای همسایگی با نسبتی زیاد از خانه‌های قدیمی، بیش‌تر است تحقیقاتی در کشور

کانادا در زمینه توزیع فضایی جرائم انجام شده است در این تحقیقات فرض بر آن است که جرائم به طور تصادفی در شهر اتفاق نمی افتد بلکه با سایر عوامل در ارتباط است از اینرو ویژگی های اجتماعی و اقتصادی محله های شهری در میزان وقوع جرم و ناامنی موثر است (رضوان، ۱۳۹۱، ۳۹۱) از نظریات فردسن و هیندلنگ (مدل سبک زندگی) شیوه زندگی افراد به نرخ های متفاوت مجرم زایی می انجامد این شیوه های زندگی به وسیله فعالیت های روزانه در زمینه کاری و تفریحی شکل می گیرد طبق این مدل هر قدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۸۷) یعنی فعالیت های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه دیده شدن او بیشتر است و هر چقدر یک شخص با افراد بزه کار یا با محیط های مجرمانه یا محیط های خطرناک یا در زمان های خطرناک بیشتر رفت و آمد کند شانس بزه دیدگی خود را افزایش می دهد کسانی که در مرکز شهر زندگی می کنند نسبت به کسانی که در محله های دور دست زندگی می کنند بیشتر شانس بزه دیدگی دارند جوانان برخلاف تصور ما که بیشتر مجرم می شوند، اتفاقاً به جهت شیوه زندگی بازتری که دارند شانس بزه دیدگی آنها بیشتر است زیرا در مقایسه با افراد مسن شیوه و مدل زندگی آنها بر اساس فعالیت است و نه بر اساس انفعال ویلیام موریس در بررسی های خود درباره مناطق مسکونی در انگلیس و شهر کرویدون به این نتیجه رسیده است که نوع سیاست های اعمال شده در زمینه مسکن و سرانجام تراکم جمعیت شبه کارگر و کارگر واقعی یا متخصص، شاخص مهمی در نشان دادن علل نرخ های متفاوت جرائم شهری است او با توضیح طبیعی مناطق اجتماعی جرم خیز به مقابله برخاسته و سیاست های شهری اجرا شده را عامل مهمی در تبیین پدیده جرم شهری معرفی کرده است (موسوی، ۱۳۷۸، ۹۳) بولنو BOLENO اعتبار مسکن را بسته به ایجاد صمیمیت و حمایت و پناهندگی و استقلال و وابستگی به خانه و خانواده ها می داند (توسلی، ۱۳۵۳، ۶۴) لوکوربوزیه بر این عقیده است که مسکن باید جمع شدن افراد خانواده را دور هم ممکن ساخته و استقلال هر کدام را حفظ کند تا هر کدام بتوانند زندگی جدا و مستقلی آطور که می خواهند داشته باشند (توسلی، ۱۳۵۳، ۶۵) رکس و مور در مطالعات خود پیرامون مناطق مسکونی در شهر بیرمنگام به این نتیجه رسیده اند که نوع و مدل مالکین خانه های مسکونی شاخص خوبی برای تبیین علل و عوامل پراکندگی جرائم شهری است آنان به این نتیجه رسیده اند که میزان جرائم شهری در مناطق در حال گذار بیشتر از سایر نواحی است (موسوی، ۱۳۷۸، ۹۴) وامسلی بر این نظر است که همه نواحی داخل شهر از لحاظ نوع و شیوه ارتکاب جرائم مشابه نیستند برای مثال استدلال می کند که تفاوت آشکاری بین محلات کارگرنشین فقیر و محلات در حال گذار (با مختصات کنترل اجتماعی ضعیف و ناهنجاری) وجود دارد در محلات فقیر ارتکاب خلاف های اجتماعی امری طبیعی در میان بزرگسالان است و در مناطق نوع دوم جرائم در واقع انعکاسی است از نقص که در دستیابی به موقعیت های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد (موسوی، ۱۳۷۸، ۹۴) به نظر او مناطق درون شهری و مرکزی از نرخ بالای جرایم شهری برخوردار هستند و دامنه ارتکاب جرایم نیز از شهری به شهر دیگر و از منطقه ای به منطقه دیگر در تغییر است (همان، ۸۹) شاو و مک کی در رابطه با اقدامات مجرمانه در محلات شهری بر این عقیده بودند که پیشگیری دولتی بدلیل عدم شناخت شرایط خاص محله ها اقداماتی سطحی و بی فایده است چرا که پیشگیری محلی خود مردم محله را درگیر در پیشگیری می کند مثلاً مردم محله هستند که می دانند محل اجتماع معتادین در کجاست و چگونه می توان آن محل را تغییر کاربری داد (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۵۴) بنابراین این بایستی بجای مجازات باید مشکلات محله اصلاح شود و تا وقتی این اصلاح صورت نگیرد مجازات نمی تواند جنبه پیشگیرانه چندانی داشته باشد و از اینرو جوانان باید خود را متعلق به محله و مستقر در آن بدانند و افراد با یکدیگر ارتباط داشته باشند و همبستگی محلی بوجود آید و فردیتی که در نتیجه از هم گسیختگی اجتماعی بوجود می آید تبدیل به همبستگی اجتماعی شود یکی از وسایل دستیابی به این هدف عمران و آبادسازی محله متناسب با توان محله ودخیل کردن افراد در سرنوشت محله

است در مطالعه‌ای که مایکل بریک تحت عنوان فرهنگ تطبیقی جوانان انجام داده است وضعیت بزهکاری جوانان را در سه کشور (ایالات متحده، انگلستان، کانادا) مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و نتیجه گرفته است که در هر سه کشور اغلب جوانان متعلق به خانواده‌های کارگر شهری که عمدتاً از مهاجران سیاه پوست و رنگین پوست آفریقایی و آسیایی تبار هستند از میزان بزهکاری بیشتری برخوردارند تضاد طبقاتی، تعارض فرهنگی و ارزش و طرد اجتماعی و فقر ناشی از نابرابری‌های اقتصادی، عواملی هستند که موجب بروز رفتارهای بزهکارانه در میان جوانان نواحی حاشیه‌ای شهری می‌شوند نتایج پژوهشی "مری" نشان داده افرادی که ارتباط اجتماعی و پیوند محله‌ای آنها ضعیف است ترس بیشتری از جرائم دارند (رضوان، ۱۳۹۱، ۳۹۱) کندی نیز معتقد است که مسکن باید برای هر فرد فضای منظمی را که با آن به نیازها پاسخ دهد تعبیه کند به عنوان مثال فضای شخصی و خصوصی (مانند اتاق خواب محل کار و ...) و نیمه خصوصی (مانند حمام) و محل های مورد نیاز جمع (مانند آشپزخانه، اتاق لباسشویی، و ...) فضاهای اجتماعی (اتاق نشیمن، سالن، باغچه و ...) و محل های همگانی (گریدور، در ورودی و ...) بایستی برای تامین آرامش روانی ساکنین مهیا باشد (توسلی، ۱۳۵۳، ۶۵) یافته‌های فیشر نشان داد که بی‌اعتمادی بین همسایگان و هم محله‌ای‌ها باعث می‌شود آنان ارتباط کم‌تری داشته باشند نبود ارتباطات و وجود بی-اعتمادی باعث می‌شود ساکنان از دنیای بیرون خود بترسند (رضوان، ۱۳۹۱، ۳۹۱) بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده- توسط فاستنبرگ در سال ۱۹۷۱ افرادی که در مناطق نسبتاً مرفه سکونت دارند نسبت به افراد ساکن در مناطق کمتر مرفه، احساس ترس بیشتری داشته‌اند برخی نیز به این نتیجه رسیدند که ساکنان مناطق جرم خیز ضرورتاً ترس از جرم بیشتری احساس نمی‌کنند مک اینتایر ۱۹۶۷ به نقل از کاروالو و لوئیس ۲۰۰۳ می‌نویسد نرخ جرائم در مناطق پایین شهری بیشتر است و اما احساس ترس افراد در مناطق بالای شهری بیشتر از مناطق پایین شهری است از اینرو افرادی که در مناطق کمتر مرفه سکونت دارند، ترس از جرم و جرائم را مشخصه و ویژگی طبیعی محیط زندگی‌شان دانسته و در طی زمان توانسته‌اند خود را با شرایط موجود سازگار کنند یا این که متغیرهای دیگری دخیل باشند بر اساس نظر کلارک پیشگیری وضعی از جرم اصطلاحی است که برای اولین بار توسط واحد پژوهشی وزارت کشور انگلستان ابداع گردیده است این اندیشه از مطالعات وزارت کشور درباره باز پروری زندانیان در سیستم اصلاحی انگلستان گرفته شده است یکی از نکاتی که در مطالعات مذکور ذکر گردیده این است که احتمال فرار و تکرار جرم توسط جوانانی که در منازل نیمه کاره سکونت دارند بیشتر است و این مسئله با محیط آنها بیشتر از شخصیت یا سابقه آنان مرتبط است بنابراین این محققین نتیجه گرفتند فرصت‌هایی را که موجب سوء رفتار می‌شوند می‌توان از بین برد (دنیس رزنام، ۱۳۷۹، ۱۴۹) مفهوم کنترل جرم از طریق تغییر محیط فیزیکی در اثر تلاش‌های نیومن و جفری محبوبیت زیادی بدست آورده بود این نظریه پردازان استدلال می‌کنند که با تغییر طراحی فضاهای تجاری و مسکونی می‌توان از وقوع جرائم شهری پیشگیری نمود نیومن معتقد بود که طراحی ساختمان‌های تجاری باید به نحوی باشد تا دسترسی عموم را به آنجا محدود و ساکنین را نسبت به مراقبت از رفتار همسایگان در اماکن عمومی و احساس مسئولیت در این خصوص ترغیب نماید مفهوم فضای قابل دفاع نیومن و مفهوم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط جفری عیناً مطابق با رهیافت پیشگیری وضعی از جرم است روز بنام و بیک من گزارش کرده‌اند که در بررسی اولیه یکی از طرح‌های پیشگیری از جرم سرقت اماکن در یافته‌اند که میزان ترس دریافت کنندگان خدمات پیشگیرانه متناسب با اقدامات کنترلی افزایش یافته- است همان مداخله در محیط مسکونی که خطراتی به مجرمین بالقوه محسوب می‌گردد ممکن است به سایر شهروندان این پیام را القاء کند که محیط خطرناک می‌باشد کلیفورد شاو در کتاب مبانی جرم شناسی خود اساسی‌ترین عامل بزهکاری را در مسکن نامناسب قید می‌کند (علوی یزدی، ۱۳۸۲، ۸۰) دیوید متزا زندگی در زاغه‌ها و محله‌های فقیر نشین و عدم دسترسی به

امکانات را باعث گرایش به بزهکاری دانسته و معتقد است بدلیل ساختار جامعه و فرهنگ تغییر ناپذیر مجرم هیچ انتخابی ندارد مگر اینکه به علت یاس و ناامیدی از طریق فعال شدن در اعمال مجرمانه حرکت کند (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۸۵) شامبیاتی در مورد تاثیر مسکن خانواده در بزهکاری نوجوانان توضیح می‌دهد که والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، اطرافیان اجتماعی کانون خانواده خود را در جامعه تعیین می‌کنند و موقعیت کانون خانوادگی به نوبه خود در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوهای رفتار دامن زد، از این رهگذر اثرهایی خوب یا بد در تکوین شخصیت کودکان نقش پذیر از خود به یادگار می‌گذارد اگر کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که بزهکاری در آن فراوان باشد احتمال برخورد کودک با نمونه‌های متعددی از بزهکاری بیش‌تر است تا این که کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که وقوع جرم در آن منطقه به ندرت صورت می‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۴، ۵۲)

۱۰. اثرات کارکر فرهنگی شهر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده در محیط شهری:

مطالعات به عمل آمده مشخص کننده آن است که آسیب‌های شهری در نقاط توسعه‌یافته و پیشرفته و در آنجایی که کار بیشتر است به تعداد بیشتر از مناطق روستایی و شهرهای توسعه‌نیافته است مهاجران به دنبال ترک وطن و مهاجرت به شهرهای صنعتی و بزرگ جهت یافتن کار به سختی می‌توانند خود را با محیط جدید انطباق دهند زیرا آنها با عادات و آداب و رسوم و اصول اخلاقی محیط خاص خود پرورش یافته و خود را با آن محیط تطبیق داده و با ترک محیط مزبور و ورود به محیط دیگری که اصول و آداب خاصی در آن حکمفرماست به آسانی قادر به خو گرفتن و انطباق با محیط جدید نبوده و همین عدم انطباق ممکن است وضعی بوجود آورد که اصطلاحاً بدان تضاد فرهنگی یا به زعم برخی سوء تفاهم فرهنگی می‌گویند و با عدم انطباق خود با محیط بعدی مرتکب اعمالی شوند که قابل مجازات باشد بر همین اساس تقریباً همه جامعه‌شناسان معتقدند که محیط در بوجود آوردن مجرمین بسیار موثر است محیط اجتماعی مانند مدرسه، خانواده، سینما، کافه‌ها که هر کدام بنحوی در ارتکاب جرائم موثر هستند از کلیه این عوامل اجتماعی مهم‌تر باید خانواده را دانست که نقش اساسی در پایه‌گذاری شخصیت روحی افراد به عهده دارد (عمیدی نوری، ۱۳۴۲، ۱۹۸) بررسی‌های جامعه‌شناختی این موضوع را اثبات می‌کند که از جمله رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی در شهرها ارتباط بسیار نزدیک آنها با ویژگی‌های ناپایدار جمعیت و عدم پایداری کارکردی هنجارها و قواعد عمومی پذیرفته شده در میان آنها است افزایش آمار جرائم شهری، فزونی میزان ناهنجاری‌های رفتاری و روانی، تشدید خرده فرهنگ‌های گروه‌های اجتماعی ناهمگن، تغییر کارکرد روابط خانوادگی، کاهش احساس مسئولیت اجتماعی (کاهش مشارکت عمومی) رواج فرهنگ فردگرایانه منفی و موارد متعدد مشابه دیگر موضوع خطر کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی را به یک نقطه تهدید کننده برای سلامت و توسعه پایدار در شهرها تهدید نموده است و لازم است بررسی لازم و شناخت عوامل گسست همبستگی اجتماعی و اخلاقی صورت پذیرد مفهوم همبستگی در شهر حکایت از انواع مختلف ارتباطات نیرومند اجتماعی ساکنین دارد در این صورت ارزشهای اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی مشترک عامل تعیین کننده‌ای در تامین همبستگی اجتماعی شهروندان محسوب می‌گردد امروزه وجه مهم شکل‌گیری جنبشهای اجتماعی شهری همانا افزایش عدم رضایت از کارکردهای شهری در زمینه روابط و مناسبات اجتماعی است که در آن همخوانی در ارزش‌های مشترک و هم پیمان در انجام تعهدات مشترک جای خود را به رقابت‌های نادرست اجتماعی و سرانجام امکان سلطه گروه‌های منفعت خواه در درون شبکه شهری بویژه در شهرهای بزرگ داده است قران خود بزرگ بینی و سلطه جویی و به یوغ کشیدن دیگران را در حد شرک و ریشه اعمال شرک آلود و منشاء ارتکاب ظلم و جرائم ضد انسانی و طغیان و رو در روئی با خدا و خلق می‌شمارد از

اینرو گرچه بهترین راه برای از میان بردن مفاسد اخلاقی و اجتماعی بالا بردن سطح فرهنگ و ایمان مردم است، ولی به هر حال تعزیرات، بخصوص در عصر و زمان ما، جایگاه ویژه خود را دارد تا آنجا که می توان گفت بدون اجرای این نوع از مجازات ها عمل کردن به قوانین الهی و رسیدن به جامعه سالم و ایجاد امنیت امکان پذیر نمی باشد (مکارم شیرازی، ۱۴) زیرا همانطور که در اطراف خود می بینیم و شاهد هستیم جرائم و بزهکاری ها بر اثر عوامل مختلفی فزونی یافته و روز به روز شاهد افزایش آن می باشیم آمارها نشان می دهد که هم انواع گناهان گسترده تر شده و جرائم نو و تازه ای بروز نموده و هم مبتلایان به آن فزونت ر گشته اند دورکیم رشد جمعیت و ضرورت اسکان در واحدهای اجتماعی بزرگتر و نیز انقلاب در تقسیم کار اجتماعی را موجب تحول از همبستگی مکانیکی (عشق افراد و سلوک و آداب اجتماعی آنها با یکدیگر) به همبستگی ارگانیکی می داند او هسته اولیه همبستگی افراد را در مجاورت افراد می داند مجاورت بر تعداد کنش ها و تشدید تاثیرات متقابل افراد تاثیر بسزایی دارد و سازمان دهنده همبستگی مبتنی بر قواعد اخلاقی، اعتقادی و هنجاری می باشد (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۷) اودر تحلیل خود از کارکرد همبستگی اجتماعی به شکل گیری اشکال جدید سازمان کار و همبستگی صنفی می پردازد در کتاب تقسیم کار اجتماعی، موضوع صنعتی شدن روابط اجتماعی در دوران جدید و ضرورت بازبایی نوع جدید از تعلقات جمعی و در نتیجه پیوستگی اجتماعی مورد توجه فوق العاده قرار گرفته اند (همان، ۱۲۰) به نظر کاروان سکونت مهاجران با اصل و نصب غیر شهری در شهرها حیات روانی و اجتماعی آنان را دگرگون می سازد و زندگی در شهر با ارزش ها و سنت های ناهمگون و تفاوت های فردی سبب کاهش انسجام اجتماعی می شود و فردگرایی به عنوان ارزش اجتماعی مطرح می گردد در این میان مهاجران که اغلب از گروه های فرو دست، ناتوان از حیث اقتصادی، غیر ماهر و بیگانه با سبک ها و آداب و ارزش های زندگی شهری اند در مقایسه با غیر مهاجران از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت های متفاوت قرار می گیرند و از آنجا که برای درک ارزش های مشترک از فرصت های مساوی برخوردار نیستند بیش از گروه های متمکن و برخوردار به انحراف تمایل دارند اصحاب مکتب جامعه شناسی شهری شیکاگو دغدغه های فرهنگی داشتند و علل جرم را بر اساس فرهنگ در معنای وسیع کلمه مورد توجه قرار داده بودن (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۴۵) در همین راستا عقیده این مکتب بر آن بود که فرد در فرایند جامعه پذیر شدن خود تحت تاثیر فرهنگ قرار می گیرد بنابر این فرایند جامعه پذیر سازی به وی اجازه می دهد مدل های فرهنگی خاص جامعه خود را فرا گرفته و در خود درونی کند طرفداران این مکتب نخستین کسانی بودند که جرائم شهری را در محیط های شهری و با توجه به ویژگی های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی مناطق شهری بررسی کردند آنان بر این عقیده بودند که مطالعه رفتار ساکنان شهری در قالب محیط های شهری امکان پذیر است به باور آنها ویژگی های کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در جرم زا بودن مناطق و محلات شهری تاثیرگذار است آنها بر این عقیده بودند که مکان های شهری جدید به علت وسعت، تراکم، ناهمگنی فرهنگی به زمینه های اصلی پیدایش جرم و بزهکاری و انحراف اجتماعی تبدیل شده اند (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۷) استارک ۱۹۸۷ از دانشمندان مکتب شیکاگو پنج جنبه از ساختار شهری را جزء فاکتورهای پیش بینی کننده ارتکاب جرم در محلات بر شمرده که عبارتند از: تراکم، فقر، کاربری مختلط یعنی وجود اقامتگاه و صنایع و فروشگاه ها در یک مکان، کوچ گری یعنی ورود و خروج مداوم به آن و خرابی و فروریختگی ساختمان ها (احمدآبادی، ۱۳۸۶، ۲۷) به نظر لوئیز ویرث عواملی که نظام اخلاقی سست را پدید می آورد عبارت است از اینکه در جامعه شهری قیدهای خویشاوندی و رسوم همسایگی و سایر عواطفی که ممکن است در میان افراد یک اجتماع قومی وجود داشته باشد، به دلیل پشتوانه های گوناگون افراد وجود ندارد و یا در بهترین حالت خود بسیار ضعیف است از اینرو ضعیف شدن وابستگی های خویشاوندان قدیم، وابستگی های خویشاوندی کاذبی را به وجود می آورد در ازای از بین رفتن وحدت منطقه به عنوان زمینه انسجام اجتماعی سعی می شود واحدهای

سودجویانه‌ای به وجود آیند از اینرو در شهر رقابت و مکانیسم‌های کنترل صوری بر خلاف کنترل درونی در جوامع سنتی جایگزین رسوم همکاری و همدردی و همبستگی که خالص جوامع قومی است، می‌گردد (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۸) چلبی بر این عقیده است که توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی نوعی انرژی عاطفی بازتولید می‌کند و این حس نوعی تکلیف بین افراد ایجاد می‌کند و موجب نوعی احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی می‌گردد (همان، ۱۲۰) از نظر او وجود میزانی از نظم اجتماعی برای هر جامعه‌ای ضروری و لازم به نظر می‌رسد اما ابراز این نظم همان همبستگی اجتماعی است با وجود وفاق و همبستگی اجتماعی و ظهور اعتماد اجتماعی متقابل زمینه برای همکاری و مشارکت اجتماعی به وجود خواهد آمد و این باعث خواهد شد تا توسعه اجتماعی در سایه نظم اجتماعی که محصول وفاق و همبستگی اجتماعی است حاصل آید (همان، ۱۲۹) تونیس در کتاب مشهور خود به نام اجتماع و جامعه، اولی را اجتماع سنتی تعریف می‌کند که قبل از انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی وجود داشته است اجتماعی که در آن اشخاص را ارزش‌های مشترک و سنت‌های مقدس به هم پیوند می‌دادند و انسجام اجتماعی در آن ناشی از هویت جمعی و خویشاوندی اعضا بود اما انقلاب صنعتی اجتماع را به جامعه تبدیل کرد و شهر به مکانی تحول یافت که ویژگی‌های جامعه‌ای آن غلبه داشت و در آن تفاوت‌های فردی موجب کاهش انسجام اجتماعی می‌شود و فردگرایی به عنوان ارزش والای اجتماعی (به قیمت از بین رفتن انسجام اجتماعی) به صحنه می‌آید در شهر مردم بخوبی یکدیگر را نمی‌شناسند اما در مکانی که زندگی می‌کنند برای تامین نیازهای خویش کاملاً به یکدیگر متکی هستند (همان، ۱۲۴) مهمترین مسئله از نظر او میان رفتن واحدهای کوچک و ساده اولیه و نشستن شهرهای جدید به جای آنها بود، شهرهایی که در آن سلامت محیط، همبستگی عاطفی، امنیت ساکنان و خلاصه اسباب و علل ایجاد یک محیط مطلوب بشری در معرض تهدید قرار گرفته بود (همان، ۸۴) زیمل در بعد کارکردهای فرهنگی شهر و رفتاری برای ویژگی‌های روانشناسی اجتماعی شهرنشینان و تغییر فضای ذهنی آنان ورای آنچه دورکیم و تونیس مورد بحث قرار داده بود اهمیت قائل است در نوشته کلان شهر و حیات ذهنی او، خصوصیات روانی، احساسی و عصبی انسان جدید شهرنشین مورد تحلیل قرار می‌گیرد از نظر زیمل انسان در شهر همچون دندان‌های از یک ماشین بزرگ است، دندان‌های که شخصیت و هویت مستقلی ندارد بنابراین برای احراز هویت و ابراز شخصیت کامل از خود ممکن است دست به کارهای عجیب و غریب بزند (موسوی، ۱۳۷۸، ۸۵) اندیشه زیمل از آن جهت که او تمایز بین دو ویژگی عمده زندگی شهری سازنده رفتار انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد از اهمیت بیشتری برخوردار است نخست انبوهی و محیط اجتماعی آشفته شهری سبب می‌گردد که مردم در برخورد با یکدیگر تجدید نظر کرده، بسیاری از مسائلی را که در اطراف آنها می‌گذرد مورد اغماض قرار دهند دومین ویژگی ارتقاء دهنده محیط شهری، کاهش انگیزه‌های انسانی در درخواست از سود و منفعت است از نقطه نظر زیمل زندگی شهری مجموعه‌ای از مبادلات است که در آن هر شخصی ممکن است این سوال را با خود مطرح کند که چه چیزی نصیب او می‌گردد و ارزش آن چقدر است از نظر زیمل مردم در شهرها بویژه شهرهای بزرگ نمی‌توانند در قبال یکدیگر از احساس مسئولیت و مراقبت کافی برخوردار باشند (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۳) زوکین در کتاب فرهنگ شهری می‌گوید: فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند تا آنها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند ما حاصل این امر وضع مجازات‌های شدید در رابطه با جرائم شهری و یا خصوصی‌سازی و نظامی‌گری در فضاهای عمومی شهر است که نتیجه هر سه حالت فوق از بین رفتن عرصه عمومی است (عسگری تفرشی، ۱۳۸۹، ۴۰) گرین‌برگ و همکارانش نشان دادند که دلبستگی به منزله عنصر اساسی درهم بستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل محله به شمار می‌رود چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع هستند و اجتماع به فکر آنها است (رضوان، ۱۳۹۱، ۳۹۱) زیمل، ویرث و ماکس‌ویر تفسیرهای جامعه‌شناختی

منتج از دستاوردهای زندگی شهری را مورد بررسی عمیق قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که مردم در شهر بیشتر متفاوت از یکدیگر و از خود بیگانه‌اند و روابط اجتماعی میان آنها به شکل مصنوعی و به تعبیر دیگر از نوع ثانوی تحول پیدا می‌کند (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۴) شاو و مک‌کی بر این عقیده هستند که سست شدن کنترل‌های اجتماعی سنتی و تضعیف اشکال سنتی تنظیم رفتارهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه سبب می‌شود زمینه بزهکاری افزایش یابد و در نتیجه در این مناطق جامعه پذیری و جامعه پذیر شدن بجای الگوبرداری از مدل‌های اجتماعی بیشتر الگوبرداری از همسالان خود و بین هم‌گروه‌های هم سن و سال و همزاد است (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۵۳) عبارت دیگر در این فضاها جامعه‌پذیری اطفال و نوجوانان در درون باندهای مجرمانه رخ می‌دهد نه در درون جامعه باز شاو و مک‌کی دریافتند که نابسامانی اجتماعی بر کودکان و نوجوانان اثر می‌گذارد و آنها را به سوی بزه می‌کشاند فرایندی که در اصطلاح از آن به عنوان نظریه انتقال فرهنگ یاد می‌شود بنابر این بر اساس این نظریه کودکانی که در مناطق نابسامان اجتماعی زندگی می‌کنند دارای فرصتهای بیشتری برای روبرو شدن با آنانی هستند که دارای ارزش‌های بزهکاری می‌باشند اسپنسر مفهوم جامعه به نوعی با خود ضرورت همبستگی را به همراه دارد در واقع از نظر او ویژگی خاص جامعه همکاری و پیوستگی بین اعضای آن است (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۵) سلین واضح نظریه تعارض فرهنگی است و معتقد است انسان در بستر یک فرهنگ متولد می‌شود و آن فرهنگ را فرا می‌گیرد و تصورات خود را بر اساس آن فرا می‌گیرد بنابراین هرچه مدل‌های فرهنگی ما بیشتر در مقابل هم قرار بگیرند تا در کنار هم، بهمان اندازه رفتار اعضای آن گروه‌ها غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود و هر قدر تکثر و اختلاف بیشتر باشد احتمال جرم بیشتر می‌شود (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۳، ۶۱) ابن خلدون در تعریف عصبیت بر مفاهیم و همبستگی که بر اساس روابط خویشاوندی و قومی اصیل بدست می‌آید تاکید دارد موضوع عصبیت در نظر او دارای صورت ذهنی نیست، بلکه واقعیتی است که سبب رفتار و عمل فرد می‌شود از نظر او تحول در جمعیت و انتقال از زندگی سنتی به حضارتی و گسترش منافع اقتصادی و ثروت در بین ساکنین شهر عامل مهمی برای سقوط اخلاقیات اجتماعی از جمله کاهش عصبیت بوده است (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۰) ایشان دور شدن ساکنان شهری از عصبیت و احساسات و عواطف جمعی و غرق شدن آنان در اذت‌های محیطی و پرورش یافته در شهر را از جمله موجبات عمده سقوط روحی و معنوی شهرنشینان می‌داند در واقع از گفتار جامعه‌شناختی ابن خلدون این نتیجه بدست می‌آید که شهرها مکان توسعه جرائم ویژه‌ای است که نوع و اندازه و تاثیرگذاری آن خود ماهیتی غیر بادیه‌ای یا شهری دارد به نظر او هم ویژگی مکانی در تولید و توسعه این قبیل جرائم تاثیر دارد و هم ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی شهرها از قبیل مصرف-گرایی، تن‌پروری، رفاه‌طلبی که خود زمینه را برای گسترش استعدادهای مخرب آماده می‌سازد (همان، ۹۴) لاکاسانی معتقد هستند که بزهکاری یک میکروب اجتماعی است و عقیده دارد منشاء انحرافات را باید در تاثیرات فرهنگی و اجتماعی دنبال نمود و محیط اجتماعی در سرنوشت انسان حائز اهمیت است اگر محیط اجتماعی سالم باشد زمینه برای پرورش و شکوفایی استعدادها فراهم می‌شود در غیر اینصورت محیط ناسالم گرایش‌ها را به اعمال مغایر با هنجارهای اخلاقی و قانونی سوق می‌دهد (حاجی‌آقایی، ۱۳۸۵، ۲۴۱) آلبرت کوهن بر این باور است که موقعیت خاص اجتماعی و طبقاتی افراد در جامعه منجر به بروز رفتار انحرافی می‌شود و این خود فرهنگها هستند که با خلق ارزش‌ها و ایجاد هنجارهایی خاص و خارج از چهارچوب فرهنگی جامعه بستر رویش انحراف می‌شوند وی اضافه می‌دارد که افراد ناامید به جهت رسیدن به اهداف مقبول جامعه دچار احساس فقدان منزلت اجتماعی می‌شوند و برای رفع این سرخوردگی دست به گزینش ارزش‌هایی می‌زنند که به این واسطه اعتباری برای خود کسب دیوید ماتزا معتقد است که از جمله عواملی که فرد منحرف بوسیله آنها تحت فشار قرار می‌گیرد عبارتند از پایگاه اجتماعی، ساختار فرهنگی، عضویت او در یک فرهنگ فرعی منحرف و یا حضور وی در جایی که بی‌سازمانی

اجتماعی وجود داشته باشد و وی را به ناهنجاری بکشاند وی استدلال می‌کند که ارزش‌های بزهکاری با ارزش‌هایی که بر فعالیت‌های تفریحی اوقات فراغت در جامعه متداول است همانند می‌باشند (همان، ۲۲۴) استانیسیو در بعضی از محلات پاریس که از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و فقیر هستند و اکثریت ساکنان آن را کارگران عادی و بدون کوچکترین اطلاعاتی فنی تشکیل می‌دهند بعد از کار فرساینده روزانه در برابر داد و فریاد افراد خانواده و مشاهده زد و خورد آنان به می‌گساری می‌پردازند او به این نتیجه می‌رسد که در این گونه محلات که شکم حکومت می‌کند فرهنگ معنایی ندارد (علوی‌یزدی، ۱۳۸۲، ۸۰) ماتزا ۱۹۵۵، میلر ۱۹۷۵، کوهن ۱۹۵۵ معتقدند در جوامع مدرن رفتار انحرافی ناشی از خرده فرهنگ‌های متفاوت است زیرا فرهنگ ناهمگون و غیر یکدست در یک جامعه شهری سبب می‌شود که رفتار در یک خرده فرهنگ خاصی انحراف محسوب شود و خرده فرهنگ دیگر یک رفتار بهنجار شناخته شود این نظریه پردازان بیشتر به رفتارهای بزهکارانه مانده خرابکاری که جوانان بدون در نظر گرفتن منافع مادی مرتکب می‌شوند توجه دارند (سهامی، ۱۳۷۹، ۱۱۰) ادوارد تیلور مردم شناس معروف انگلیس می‌باشد و بر این عقیده است که فرهنگ و تمدن به یک مفهوم می‌باشد در واقع فرهنگ و یا تمدن را مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌ها و عاداتی دانسته که انسان به عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد (زیاری، ۱۳۸۲، ۹۷)

نتیجه گیری :

کارکردهای شهری زمانی قادر به تحقق اهداف متعالی هستند که به دقت پیاده شده و هیچ گونه خلل و اشکالی در اجزای آنها وجود نداشته باشد فلذا در انسجام و ارتباط تنگاتنگ با همدیگر قادر خواهند بود تا نسبت به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اقدام عملی را محقق سازند چرا که پیشگیری قانون طلایی در آسیب‌های اجتماعی است بنابر این بسیاری از راهکارهایی که سازمانها و نهادهای دولتی، خصوصی و ... در قالب طرح و برنامه و امثال آن ارائه می‌دهند بایستی با کارکردهای شهری انطباق پذیری لازم را داشته و بتواند از اجزای فلسفه برنامه‌ریزی تبعیت کند .

منابع:

- شکوئی، حسین. (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران، جهاد دانشگاهی، ۹۴
- جوان‌مرد، بهروز. (۱۳۸۶). نظریه‌های کیفی و رویکرد امنیتی ج. ۱. ایران در جرایم سبک. امنیت، شماره ۳، ۷۵
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۹). مشارکت زنان در پیشگیری از مصرف مواد مخدر. دانش انتظامی، شماره ۴۸، ۱۹
- علی‌محسنی، رضا. (۱۳۸۰). تحلیل جامعه شناختی جرائم گروه‌های قومی در ایران. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲، ۱۴۵
- محسنی تیریزی، علی‌رضا. (۱۳۷۹). مبانی نظری و تجربی وندالیسم، مروری بر یافته‌های یک تحقیق. مطالعات جامعه شناختی، شماره ۱۶، ۲۰۶
- حسین طهرانی، محمدحسین. رساله نکاحیه کاهش جمعیت ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین. جلد اول، مشهد، انتشارات دوره علوم و معارف اسلامی
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۵). ویژگی‌های تبهکاری شهری. مهنامه قضایی، شماره ۱۴۶، ۴۰

- حاتمی نژاد، حسین. (۱۳۸۸). جغرافیای جنایی. سپهر (سازمان جغرافیایی) شماره ۶۹، ۲۲
- غضنفری، سیروس. (۱۳۳۹). علل مجرمیت. کانون و کلا، شماره ۷۴، ۲
- بهشتی، محمد؛ دیگران. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. جلد ۵، تهران، انتشارات سمت، ۶۸
- افلاطون. (۱۳۶۷). دوره آثار افلاطون. جلد ۴، مترجم رضا کاویانی، محمد حسین لطفی. تهران، انتشارات خوارزمی، ۲۰۳۸
- دنیز رزنام. (۱۳۷۹). ترجمه رضا پرویزی، پیشگیری وضعی از جرم. مجله حقوق دادگستری، شماره ۳۲، ۱۴۸
- صانعی، صفدر. (۱۳۸۶). نسخه شفا گل و گیاه. جلد ۱، تهران، انتشارات حافظ نوین، ۴۰۷
- علوی، حمیدرضا. تاثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری. اصلاح و تربیت، شماره ۱۱۵، ۳۳
- حاجی آقایی، لیلیا. (۱۳۸۵). ۱۶ تا ۱۸ سالگی، بحران انحرافات در شهرستان اصفهان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۲، ۲۴۲
- صادقی، عباس. (۱۳۸۴). نوجوانی و پدیده بزهکاری. پیوند، شماره ۳۰۸، ۵۴
- حیدری، شهریار. (۱۳۸۵). فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مکاینایر. تهران، انتشارات سمت
- علوی یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل موثر در شکل گیری نگرش های نوجوانان بزهکار استان یزد. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۴، ۸۰
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۹۰). جامعه شناسی شهری. چاپ ششم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۸۶
- پارسا، محمد. (۱۳۷۵). ریشه یابی جرم و جنایت در ایران، بزهکاری های عادی، جنایت های سازمان یافته، شماره ۶۶، ۱۹
- مجموعه مقالات قران و طب. (۱۳۸۵). جلد ۲، بنیاد پژوهش های قرانی حوزه و دانشگاه، مشهد، ناشر بنیاد پژوهش های قرانی حوزه و دانشگاه، ۴۶۱
- مسگرانی طرهبه، محمد. (۱۳۷۹). جرائم شهری و لزوم سیاست گذاری پیشگیرانه. حقوقی کیفری دادگستری، شماره ۳۳، ۱۴۵
- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۸۰). تاثیر عامل اقتصادی در جرائم اطفال و جوانان. پژوهش های مدیریت راهبردی، شماره ۲۳ و ۲۴، ۱۳۹
- ابراهیمی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). آسیب شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم. اصلاح و تربیت، شماره ۷۸، ۲۳
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قران. جلد ۱۴، قم، ناشر بوستان کتاب، ۸۴
- موسوی کاشمیری، مهدی. (۱۳۸۸). پژوهش در اسراف. ، جلد ۱، قم، ناشر موسسه بوستان کتاب، ۱۹۰
- علی ابن ابی طالب (ع). (۱۳۷۴). خورشید بی غروب. نهج البلاغه با فهرست های دهگانه، تهران، ناشر نشر ذره، ۳۸۱
- ابراهیمی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). آسیب شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم. اصلاح و تربیت، شماره ۷۸، ۲۳
- نصیری، معصومه. (۱۳۸۲). اعتیاد و رابطه آن با مشاغل. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، ۹۴
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۵۳). عارضه های مسکن ناسالم و واکنش های اجتماعی. محیط شناسی، شماره ۱، ۶۵
- رضوان، علی؛ منصور فتحی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری. رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، ۳۹۱
- علوی یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). تاثیر عوامل جغرافیایی در شکل گیری نگرش های جوانان بزهکار. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۱ و ۱۹۲، ۸۰

- صادقی، عباس. (۱۳۸۴). نوجوانی و پدیده بزهکاری. پیوند، شماره ۳۰۸، ۵۲
- عمیدی نوری، عفت. (۱۳۴۲). علل ارتکاب جرائم جوانان ولزوم تشکیل دادگاه های صغار. کانون و کلا، شماره ۸۸، ۱۹۸
- مکارم شیرازی، ناصر. گردآورنده ابوالقاسم علیان نژادی، تعزیر و گستره آن. قم، ناشر مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴
- احمدآبادی. (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم. رفاه اجتماعی، ۲۷
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۷۸). تبیین نظری و جامعه شناختی جرایم شهری. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴، ۸۶
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها، فصلنامه مدرس، شماره ۲۷، ۱۲۳
- عسگری تفرشی، حدیثه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل محیطی موثر در نوسازی بافت های فرسوده شهری به منظور افزایش امنیت محلی، هویت شهری، شماره ۶
- رضوان، علی، فتحی، منصور. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری، در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران. رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، ۳۹۱
- نجفی ایرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). جامعه شناسی جنایی. دانشگاه شهید بهشتی، ۶۱
- سهامی، سوسن؛ احمدی، حبیب. (۱۳۸۲). بزهکاری و خرابکاری، روان شناسی. تازه های روان درمانی، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۱
- زیاری، کرامت اله. (۱۳۸۲). تاثیر فرهنگ در ساخت شهر. جغرافیا و توسعه، ۹۷